

# بورژوازی اپورتونیستها و کمونیستها!

در هفته گذشته در بسیاری از کارخانه ها اعتراض کارگران اعمالی بوده است که کارفرمایان و دولت را وادار به اتخاذ تصمیمات "جسدی" نموده است. از قبیل بستن "تاکا" و دستگیری نماینده کارگران آنجا! این دیگر برای دهه داران کنار غیبا بان که در نهایت فلاکت با زندگی هول انگیزی که در برابرشان دهان باز کرده است دست و پنجه نرم میکنند، چیزی عادی شده است که شهرداری دستور جمع کردن هکه ها را صادر کند! اما هیچ دکه کوچک و بزرگی سراغ نداریم که بر اثر این تهدیدات بسته شده باشد! دهه داران مبارزه علیه این تهاجم حکومت بدون زندگی خود را آغاز کرده اند!

بیکاری، آنچنان امری عادی شده و آنچنان زندگی میلیونها نفر از کارگران و زحمتکشان را در خود فرو کشیده است، که سرمایه داران و دولت از آن بستانه نمیدانند و موکلان بفرز سرکارگران شاغل استفاده میکنند: تهدید بیکاری برای آرام کردن کارگران!

رشد هزینه های زندگی، علیرغم همه فشارهای از بالا (یعنی با تهدیدهای بنی صوری!) و از پایین (یعنی مبارزه زحمتکشان از قبیل خلبان گرگان)، در سطح درآمد توده ها را با سرعت پشت سر میگذارد و بسوی فلاکت و فقر آشکاره میسازد. این بحران عمیق و همه جانبه است: راه حل آن عبارتست از نابودی سیستم موجود! بقیه در صفحه ۲



کارگران جهان متحد شوید!

# رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۸ - دوشنبه ۹ تیر ماه ۵۹ - با شماره ۳۰ ریال

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند. کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند. کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))  
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

# اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

درهم ریختن نظم بسوززوازی وابسته، که با او حکمیر جنبش انقلابی بوده ها و سرکونی رژیم شاه آغاز گشت. شرایط جدیدی را برای اقلشار و طبقات مختلف تحت ستم سرمایه دار ری وابسته به امپریالیسم، در غلبان و حرکت، رشدیابنده آنها، فراهم آورد. جنبش دهقانی در روستا های ایران که بحول مسئله ارضی و نفروسیه روزی توده دهقان شکل میگردد هر روز عمق و وسعت بیشتری پیدا میکند.

رشد جنبشهای دهقانی با ردیکر و به بار زترین وجهی از تضا ده های حاد درون روستا های ایران حکایت میکند. نتایج اصلاحات ارضی رژیم شاه اکنون در عملما هیت ضد انقلابی این اصلاحات را نشان میدهد. اما جنبشهای دهقانی که از بطن تناقضات درون نظام اقتصادی - اجتماعی سر بیرون میکنند آنچنان گسترده و قوی هستند که با داران جدید نظام بقیه در صفحه ۱۰

# باز هم درباره سه شعار ...

در صفحه ۳

در پیک رزمندگان می خوانید:

- دشمنان خلق دست یکدیگر را رو میکنند!
- توده های خروشد!
- کمیته مرکزی فدائیان، به آستانبوسی بورژوازی می رود!
- رانندگان تاکسی شهر به شهر مبارزه برای حقوق صنفی.
- نگاهی به مردم و مجاهدین



قریب دو سال است که جنبش انقلابی خلقهای میهن ما، فرمستی بی نظیر برای جنبش کمونیستی فراهم آورده است. استمرار او و دیگر، گسترده و گسترش یابنده جنبش انقلابی بی توده ها تا قیام بهمن ماه و برآورد مجدد و بر شتاب آن - پس از وقفه - ای کوتاه که توهم پیروزی موجب شده بود - در اشکالی متنوع، و تکامل آن تا حد مبارزه مسلحانه تسوده ای در بخش وسیعی از ایران - گرد ستان - ن - بویژه که این بار با برآمدن گسترده جنبش تارگری همراه بود، از یکطرف، و ضربات سهمکین و همه جانبه ای که بر سلطه امپریالیسم وارد آورده، از کاسهای بلیسی و امیتی آنرا درهم شکسته و قبل و بعد از تمام سر عم کناره های وحسانه رژیم شاه و سورنهای فا - سسی مکررها - خاکمه حدیده -

شماره در صفحه ۷۰

# کارگران جهان متحد شوید!

# سر مقاله

گسترش اعتراضات توده‌ها در متن وسیعتر سیاسی و اجتماعی نیز جریان دارد. اینک برهنگان (و از جمله برسرکوبگران) معلوم گردیده که میتوان خلق کرد را با انواع مهمات به آتش و خون کشید؛ مانعیت و انوارا شکست داد: جنبش مقاومت خلق کرد گسترش میابد و آرزوهای هیئات حاکمه را مبنی بر ایجاد آراسش، یعنی تسلیم و شکست خلق در برابر خدا انقلاب نقش بر آب میکند. مردمی با بند (آنها سرعت) که به انقلاب آنها خیانت شده است و بلاهت آشکار سیاسی و اجتماعی هیات حاکمه ضد خلقی که توانایی حتی سرپوش نهادن به اعمال خویش را از دست داده به سرعت این آگاهی میافزاید. اعتراضات علیه وضع ترافیک، قیمتها، سینماها، رادیو و تلویزیون (که تنها وظیفه تحمیل ربا به شکل جدیدی داده میدهد) و..... ابعاد این تحول را که از زیر آزدل توده‌ها در حال شکل گیری است منعکس مینماید.

مبارزه در بلوک سیاسی حاکم برای تحکیم موقعیت خود از طرف جناح های حکومت، حالا دیگر مسئله بنهائی شورای انقلاب نیست. در مجلس، در روزنامه‌ها، در میتینگها، در دادگاهها در میان ارتش و پاسداران و... تقریباً هر جایی که آشنی از حکومت باشد، این درگیری جریان دارد. اما نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است، وضعیت توده‌ها در برابر این مبارزه میان بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم میباشد: آنها ناگزیرند برای هر کدام از خواسته‌های خود با این مجموعه درگیر شوند و همه مقدمات و توهمات تا آشغال یافته توسط هیات حاکمه را بکنار بگذارند. درست همانطور که وقتی مبارزه توده‌ها رشد میکند، وقتی توده‌ها گریبان سرما به داران و تجار بزرگ و حکام محلی خود را میگیرند، ناگهان این درگیری درون حکومت با یک میثاق وحدت همراه میشود: میثاق وحدت بر علیه خلق، درگیری بر سر قدرت بیشتر!

آیا با بد مجذوب این درگیریها شد؟ آیا با دیدک جناح خدا انقلاب را بر علیه دیگری تقویت کرد و برای اینکار با زوار دگفتگو عقد قرارداد های محرمانه (که در این جنبش تنها دوسه روز میتوانستند محرمانه بمانند) کشت؟

آیا با اید زبنی صدر به خاطر مخالفتش با تعدد مراکز قدرت، و با بهشتی، بخاطر این که در راس حزبی قرار گرفته که اختلافاتی با بورژوازی لیبرال دارد و وارد همکاری گردید؟

بعبارت دیگر آیا با بدیه پائین چشم دوخت و حرکت انقلابی را از آنجا آغاز کرد، یا به بالا؟

اپورتونیست‌ها و سازشکاران خواهند گفت: "بسته به ماهیت دولت فرقی ندارد! اما ما میدانیم و براتیک روزمره آنرا نشان داده است که این هیات حاکمه جمیعاً ضد انقلابی است. و استدلال در این مورد بیشتر به تلاشی برای روپوشانی ماهیت حکومت شبیه است تا کوشش برای درک "حقیقت"!

در برابر وضعیت روبه‌وخا مست هیات حاکمه و ناتوانی آشکار آنها، توسعه اعتراضات و اشکال نوین مبارزه طبقاتی و دورنمای هر چه عمیق‌تر شدن بحران سیاسی - اقتصادی

گویند: بگذارید در تلویزیون صحبت کنیم! بیاید مذاکره کنیم! با بحث سالم!....

"ما زمان مجاهدین خلق آشکارا، بنا به طبیعت نا پیگیر و متناقض خود، در میان دودانقلاب، عملاً بورژوازی را تقویت میکنند و بورژوازی از این نیزه‌شیرانه و آگاهانه از آن سود میجوید، تا "میثاق وحدت" خود را از موضع قوی‌تر ببیند. انوهم خرده بورژوازی مجاهدین به آنها اجازه نمیدهد تا بدرستی ماهیت حکومت را دریا بند و ضدیت کامل آنرا با منافع توده‌ها درک کنند!

این حرکت سازشکارانه مجاهدین نه تنها در توسعه انقلاب و مبارزه توده‌ها تا شیرمثنی ندارد، بلکه با دامزدن به توهمات آنها، با عدم اعلام ماهیت حکومت، و با سکوت نسبت به مبارزات انقلابی توده‌ها علیه حکومت و اتحاد علنی با بنی صدر ها علیه بهشتی ها

توده‌ها باید بدانند و ما موظفیم که این مساله را وسیعاً توضیح دهیم که تنها یک حکومت انقلابی، از نمایندگان کارگران و زحمتکشان، حکومتی بر مبنای شوراها، انقلاب بی، حکومتی بر مبنای قدرت توده‌ها، میتواند آنها را نجات دهد.

تا شیرمثنی و بورژوازی خواهد داشت.

اما تنها سازشکاران، بیسای دمکراتهای نا پیگیر و متزلزل ما نیستند که به این ترتیب به جنبش انقلابی ضربه میزنند. بلکه اپورتونیستهای جوان ما که کوله‌بازی از رویزیونیسیم جهانی را بردوش می‌کنند (س. ج.) نیز از دیگر سوبه‌کیک حکومت شناخته است. اگر مجاهدین سازشکاری و متزلزل بیکران خود را در ارتباط با بنی صدرها، و جناح بورژوازی حکومت بروز داده‌اند، (س. ج.) بدام کل حکومت "غیر وابسته" در میغلظدم بورژوازی هم خرده بورژوازی حاکم! (س. ج.)

میگوید: چه میگوئید! آنها حول شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا" جمع شده‌اند! یا شما این امر را فراموش کرده‌اید! "تنها تضادهای دورن حکومت و اختلافات خرده بورژوازی حاکم با امپریالیسم ربا به معنی وجود زمینه خلقی در حکومت یا خلقی بدون یک جناح آن میداند آنها اساسی ترین معیار مبارزه طبقاتی و مو - قیمت دولت در حفظ سیستم را بکنار

میگذارند، و به این نتیجه میرسد که با اید این دولت را تقویت کرد، حتی اگر خدا انقلابی باشد!" حتی اگر همان نیزوبی با شکده با خفه کردن انقلاب و برقرار ز سرکوب توده‌ها - کمیت خویش را حفظ کرده باشد. آنها تا آنجا جلو میروند که در دست هم نوقت که دادگاههای حکومت مبارزان خلق کرد را به جوخه‌های اعدام میسپارد، کروگانهای خویش را بخاطر "طلح عادلانه در گردبستان بسوزد زحمتکشان! توسط حکومت ضد خلقی" آزاد میکنند. آنها انقلاب را وجه الممالحه "انتشار آزادکار" و... قرار میدهند و باکی ندارند که با بهشتی ها و بنی صدرها در پشت اطاقهای در بسته مذاکراتی بپرا - مون چگونگی "کوتاه کردن دست چپگرایان از سر خلق کرد" بعمل آورند. تا آنجا که بهشتی ها جرات کنند و بگویند: آقایان تبلیغ کنید و افکار مسمومی را که در میان مردم برده اید بختی کنید! آقایان اعلام کنید که مواضع خود را تغییر داده‌اید! تا حدی که جناح ضد انقلاب بخاطر قدرت، بخاطر هر چه بیشتر قرار کردن از مبارزه طبقاتی برای هر ما رکیستی که ملا روشن است که مبارزه طبقاتی حاد جنبش ما نمیتوانست مدت زیادی به این رویزیونیسیم امکان اختفای خود را بدهد. اینک مبارزه انقلابی و جنبش کمونیستی صفوف خود را تغفیه میکنند و هر کس را بنا به ماهیت خویش در رد مناسب قرار میدهند.

اپورتونیستها مثل همه اجداد خود، همیشه و در هر جا درست در لحظاتی که جنبش انقلابی روبه اعتلا و توسعه است، و اعتراضات توده‌ها منگستر میشود، به چاپلوسی و تملق، به تسلیم طلبی و... در برابر حکومت میبیردند. آنها بورژوازی و خدا انقلاب را تطهیر میکنند و میگویند: ما به شما اعتماد داریم. ترا بخدا (با هر چیزی که قبول دارید) شما هم به ما اعتماد کنید! یک کمونیست به انقلاب، به توده‌ها، به جنبش روبه اعتلا و... منگردد. کمونیست از توده‌ها حرکت میکند و علی رغم همه تضادهای درون حکومت، از این تضادها برای گسترش جنبش، برای افتاء کل حکومت بهره میبرد و درصورتاً در پیشگاه توده‌ها اعلام میکند: انقلاب! آری انقلاب شما را میرهاند. و یک اپورتونیست درست در لحظه‌های حساس یا شن زان ترک میکنند و به بالا چشم میدوزد!

# بازهم درباره سه شعار

خدمت‌گزایی در استان بورژوازی  
لیبرال به بهانه "تحلیل اقتصادی"

اما کار تحلیل "راه کارگر" به همین جا خاتمه نمی‌یابد. حال کسه (نابودی سرما به انحصاری وابسته = نابودی سیستم سرما به داری وابسته به امپریالیسم) بدون توجه به معنا و مفهوم طبقاتی این مسئله، و بسودن توجه به اینکه کدام طبقات بطور معین از این سیستم دفاع میکنند، بنا بر این باید در درک رزمندگان یک عیب اساسی باشد که بجای توجه به این سرما به انحصاری وابسته (بطور مطلق) پیوسته خواننده گمان خود را به سیستم و طبقات خاصی آن و به بورژوازی عطف توجه میدهد. این مسئله را راه کارگر ۲۵ زیر عنوان "مقولات نابودی سیستم همان نا - بودی کل اجزاء" است به ما نسبت میدهد. اما این انتساب هم نمیتواند در دل تئوریهی راه کارگر جای معینی نداشته باشد.

به ما میگویند شما بدعی هستید که برای نابودی سیستم باید کل اجزاء آن را نابود کرد. البته اگر کل مرادف جمع مکانیکی اجزاء بود. حرف فوق صحیح بشما رقیقت. اما قضیه درست همین جاست که مآد ر مقاله "سه شعار...." هیچ جا از نابودی بورژوازی کوچک سخن نگفته. ام. (وراه کارگر به این اوراق قرار کرده است) چرا؟

همکن و یکپارچه است، و با درد دست داشتن قدرت خاصی طبیعی سیستم حاکم میباشد. البته در این سیستم از لحاظ عملکرد اقتصادی سرما به انحصاری وابسته مرکزاً تماماً در سرما به داری ما، و سرما به متوسط حاشیه متصل به آن و سرما به های کوچک در جنب آن و در ارتباطهای متفاوت با آن قرار دارند. اما هیچیک از این سرما به ها مفهوم ملی را بوجود نیاورده اند و با خود حمل نمیکند. زیرا سیستم کنونی، و جریان اصلی و اساسی سرما به همان جریان سرما به وابسته میباشد.

طبقه حاکم اقتصادی در ایران، یعنی آنچه که ما بدان بورژوازی میگوئیم در این سیستم برچه اساس عمل میکند؟

بر همان اساسی که سرما به عمل مینماید. اما چگونه؟ تا آنجا کسه مسئله عملکردهای قطعی سیستم است بر اساس سرما به وابسته کسه

باقی بمانند، دنبال میشود. اما در ایران چه میشود؟ بورژوازی بمثابه یک کل، کلیت خود را از دست میدهد. سرما به انحصاری وابسته و نیز بقول راه کارگر "دلان" آن در دستورما قرار میگیرند. این امر به چه معناست جز "اصلی یک سیستم و جزء" بلافاصله خاصی آن از وضعیت مسلط خود خارج میگردند. یک طبقه کلیت خود را از دست میدهد. پایه اقتصادی بورژوازی و از این بدست و اساساً ضربه میپذیرد. حال بورژوازی کوچک هم باقی مانده باشد، یا نباشد، بورژوازی بمثابه یک طبقه اساساً از بین میرود و باید از بین برود، اینست کل و جزء. این دلان را ما همان روزا و انقلاب از میان بر نخواهیم داشت. اما این دلان همچنان زنده اند و ما باید آنها را از میان برداریم. آنها اجزاء معمولی نیستند، آنها حاکمان سرما به مالی به تنهایی نیستند. بلکه در رابطه با جریان سرما به وابسته نیز، پیوند محکمی در حفظ وابستگی دارند. هم اقتصادی - هم سیاسی.

ولی ما حتی اگر این جنبه سیاسی را هم کنار بگذاریم (اجازه بدهید چند سطر به آن برخورد کنیم) باز میماند نقش اقتصادی آنها. این

یک کمونیست نباید از اینکه موضع خود را اصلاح میکند به جلو میروند باکی داشته باشد زیرا جنبش جوان کمونیستی ما و کلاً جنبش انقلابی در طی تکامل خود در میباید که بعضی جنبه های واقعیت را در نظر نگرفته!

همان چیزیمت که با ترس و لرزه عده ای آنرا تحت عنوان دامنگیر شدن برای نابودی سرما به انحصاری وابسته، تا سرما به متوسط آن یاد میکنند (رج. راه کارگر - شماره ۲۵) بنا بر این، با توصیف فوق بخش انحصاری سرما به به مثابه جزء اصلی از لحاظ اقتصادی و پس از آن سرما به متوسط به مثابه تنها دلال بلکه چیزی با زهم وابسته از سیستم در برتنا ما نهاد ما قرار میگیرند: دولت انقلابی آنها را معادله خواهد کرد اما از اینک بعضی ها از این امر برنجند (از قبیل خود بورژوا لیبرالها و احیاناً خرده بورژوازی مرفه) هراسی بدل راه نمیدهم. آیدین ترتیب طبقه بورژوازی ایران، بعنوان طبقه ای که

در مرکز آن و در استخوانبندی اصلی آن سرما به انحصاری وابسته قرار دارد، سرما به متوسط برجتهن متنسی از سیستم عمل میکند و سرما به های کوچک هم در چنین چهارچوب های اکنون خود را به جریان میاندازند. حال ما میخواهیم این سیستم را از بین ببریم چه باید بکنیم؟

نابودی یک سیستم و نیز یک طبقه در درجه اول عبارتست از خارج کردن آن مجموعه ارگانیک، یا طبقه از صورت یک کل بهم پیوسته و درهم شکستن پیوستگی کل واره سیستم. تیک آن. و در این رابطه و بدین خاطر نیز دنبال نابودی سیاسی طبقه مزبور در هم شکستن اجزاء اصلی آن هر چند که اجزاء و عناصری از آن کل هم

هسته اصلی آن را سرما به های وابسته انحصاری تشکیل میدهند، و نهاد آن به خاطر قوانین "انقلاب" دامن سرما به متوسط هم خواهد شد به معنا - بی میدهد به جز خارج کردن سرما به از حالت یک کل بهم پیوسته، و خارج کردن بورژوازی از حالت یک کل ارگانیک. اما این همان نکته ای است که توهمات فوق العاده مکرر - تیک، یا دقیقتر "تحلیل اقتصادی" از دریافت آنها مانع میکند.

میگویند: "رزمندگان... معتقد است هر سرما به ای (بزرگ، متوسط، کوچک) چون وابسته است، بنا بر این باید نابود گردد. باقی ماندن سرما به متوسط یا کوچک بمعنی باقی ماندن وابستگی است." راه کارگر ۲۵

"رزمندگان فکر میکنند، اگر تمام طبقه بورژوازی نابود نشود، سیستم نابود نشده است، نابودی سیستم را در، نابودی تمام عناصر تشکیل دهنده سیستم، میبینند." راه کارگر ۲۵

"نابودی سیستم را نابودی تمام عناصر آن میبینند" راه کارگر ۲۵

اگر بخواهیم "رزمندگان برو - ایت راه کارگر" را درک کنیم البته چیزی جز این هم نخواهد بود. زیرا کل در اینجا مرادف مجموع مکانیکی اجزاء، سیستم مرادف طبقه بورژوازی، و اجزاء سیستم مرادف اجزاء طبقه میباشد. یعنی درکی از اساسی اکونومیستی از طبقه و سیستم!

مادر همان مقاله "سه شعار...." هیچ جا سخن از بورژوازی کوچک نگفته ایم. آیا عمیق کنندگان نشواری اقتصاد، نتوانسته اند رابطه بین امر را با مسئله نابودی طبقه در کلیت خود بنا بر این سیستم در اجزاء اصلی و خاصی آن دریا بند؟ بر ما واضح است که نه! زیرا تا نگهان استنباط هلی کذاشی فوق به جای حرفهای رزمندگان مینشیند.

مادر آنجا "سه شعار... میگو - ئیم": بدون نابودی طبقه سرما به دار و طبقه ای که اساساً در پیوند با سرما به امپریالیستی به وجود خود ادا می دهد مکان اینک جا معسه از سرما به داری و وابسته نجات یابند نیست... و... "درها انقلاب یک طبقه معین اجتماعی نباید نابود شود"

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

### بازهم درباره...

و کسانی که نابودی طبقه را مدافعی نبودند سرمایه کوچک، متوسط و بزرگ میدانند، و نابودی سیستم را مرادف نابودی اجزاء میدانند به تفسیر میپردازند: که هیئات یعنی بورژوازی لیبرال راهم از بین ببریم؟! البته عبارت های نقل شده از سه شعار... بعلمت توضیحات ناقص ما در آن مقاله رسانیت و لی یک امر روشن است: ما در آنجا میگوئیم سرمایه متوسط و بورژوازی لیبرال را از دم تیغ انقلاب نجات ندهید! از آن مدافعه نکنید این جز پس از سرمایه انحاری که علی الخصوص خود را از دست داده و هنوز تجدید حیات نکرده، مهمترین جزء اقتصاد است. و ایضاً سیاسی بورژوازی است. آنها با زفریاد میزنند: "هیئات! یعنی بورژوازی لیبرال راهم از بین ببریم؟! ما ایدئالیستی به این کار نداریم!"

کوچک و بورژوازی کوچک نمیتواند و نمیخواهد دریا بد. بدلیل واکنش و هراس از زمین خرد بورژوازی مؤلف رزمندگان را منتسب به تناقض گوئی غافل از آنکه خود از قعر جاه تناقض به رزمندگان منبگرد.

بنا بر این مشاجرات موجود جنبش کمونیستی، بر سر جز و کسل و سیستم و غیره... بلا نقطه ساعت از تحلیل اقتصادی به "تحلیل سیاسی" راه پیدا میکند. همه استدلالهای راه کارگر در مقابل به با "نابودی کل بورژوازی" که علی رغم نارسانیت نوشته ما هسته صحیح خود را در همان میکشد که کل عبارت از جزء اصلی، جزء اصلی عبارت از سرمایه است. انحاری وابسته، اولاً السلام! سیستم با نابودی جزء اصلی نابود میشود. پس شعار انفرادی بورژوازی لیبرال که جزء اصلی هم نیست، که نماینده سرمایه متوسط است (به بخش اول این بحث - رزمندگان ۱۷ رجوع کنید) شعار صحیحی است چرا؟ چون رزمندگان

وایی نفلطند: در اینجا حتی جنگ مستقیم با امپریالیسم هم ماهیت و مضمون طبقاتی معین دارد و در آن با یبورژوازی را مورد تعرض قرار داد با زفریاد میزنند: آنها وابستگی را تاریخی - تولیدی نمی بینند. آنها اقتصاد نمی فهمند! آنها، این رزمندگان فقط بلدند زفریاد میزنند: نابود سرمایه داری وابسته به امپریالیسم! در حالی که باید بگویند (و با تا کید هم این را بگویند) نابود سرمایه انحاری و وابسته به امپریالیسم!

ما مؤکداً و مکرراً دید و وابستگی، دیدی را که فقط متوجه قطع وابستگی است، عبرت بورژوازی، خوانند. و بارها و بارها اظهار داشته ایم که ادا م سلطه امپریالیسم و در واقع ادا م وابستگی در کروادامه حیات سرمایه داری است، که بدون حاکمیت سرمایه داری و وابستگی از میان میروند. باز "راه کارگر" میگوید آنها وابستگی افنی می بینند، آنها وابستگی تاریخی - تولیدی

اقتصادی "با عبارت پردازی مغرورانه درباره"، "ماتریالیسم تاریخی" از تبعیت کارگرا نابود رژی و از دفاع میکند و یکم نقل قولهای ماسلف منشویک نظریات کهنه لیبرالی منشویکها را بطور خستگی آوری تکرار مینماید. ضمناً بکمی این نقل قولها میکوشد اندیشه جدیدی را درباره "عقب ماندگی روسیه به ثبوت رساند ولی نتیجه ای که از این اندیشه جدید میگیرد کهنه و حاکی از آنستکه آری هنگام انقلاب بورژوازی نباید از بورژوازی فراتر رفت! و اینها همه علی رغم تمامی تجزیست که مارکس وانگلس، هنگام مقایسه انقلاب بورژوازی سالهای ۸۹ - ۱۷۹۳ فرانسه با انقلاب بورژوازی سال ۱۸۴۸ آلمان گفته اند!"

لنین - کاتوتسکی مرتضی، منتخبات ص ۶۵۴

اما در اینجا چگونه از "تحلیل اقتصادی" گرایش ماسلف متولد میشود؟ چگونه راه کارگرا موضوع خود در مقابل بورژوازی لیبرال در (راه کارگر شماره ۲۵) از یکسوما - سلیسم و از دیگر سوا پورتونیسم را به نمایش میگذارد؟ خواننده توجه دارد که مضمون اصلی انتقاد ما به راه کارگر در مقاله سه شعار، مسئله بورژوازی لیبرال و سرمایه متوسط بود. ما در آنجا به تا کتیک راه کارگر در ارتباط با مسئله انفرادی بورژوازی لیبرال برخورد کردیم و گفتیم شعار "بورژوازی لیبرالها این دلالان سلطه امپریالیسم را اقصاء کنیم!" معنایی جز انفرادی بورژوازی لیبرال ندارد. اما در مقاله راه کارگر ۲۵ کلاً با مسائل جدیدی هم روبرو می شویم، و آن عبارتست از یک تغییر موضع ارزنده تنها عیب کار (که معنایش را بعد میگوئیم) اینست که راه کارگرا - نمود میکنند این موضع جدید موضع ابدی او بوده است.

"راه کارگر" همانطور که در شماره ۱ مقاله نشان دادیم، دیدی مبتنی بر اکونومیسم در سیاست و مبارزه طبقاتی و یا دقیقتر در سرمایه داری می بیند. از یک طرف میکوبد نابودی سرمایه انحاری وابسته نابودی سیستم است و از طرف دیگر وقتی با واقعیت عینی یعنی رابطه زیر بنا و روبنا روبرو میشود به اهمیت سیاست درنا بوی سیستم میبرد. و سرانجام تا کتیکر میشود اعلام نماید که بورژوازی لیبرال

نابودی یک سیستم و نیز یک طبقه در درجه اول عبارتست از خارج کردن آن مجموعه ارگانیک، یا طبقه از صورت یک کل بهم پیوسته و در هم شکستن پیوستگی کل واره و سیستماتیک آن.

گان وابستگی به امپریالیسم را تاریخی - تولیدی نمیگرد، بلکه در رابطه با عملکرد سرمایه امپریالیستی آنرا می بینند. (بقول راه کارگر ۲۵)

معنی حرف راه کارگر آنست که ما نمی فهمیم اینجا خودش طبقه ای دارد، نظمی دارد، سرمایه وابسته ای دارد و از قوانین مبارزه طبقاتی تبعیت میکند. چشمان به سرمایه امپریالیستی است و این که چگونه در اینجا عمل میکند.

در کتار استنباط های فوق الذکر، البته این هم غیر عادی نیست، در حالی که ما در مقالات و نوشته های عیدیه خود بارها و بارها توضیح داده ایم: آقایان! امپریالیسم در اینجا تنها به عنوان نیروی مستقل از سیستم عمل نمی کند. روابط اقتصادی حاکم بر سیستم منافع آنرا تا مین میکند. سرمایه مالی در دل سیستم جاری، در سرمایه وابسته به استثمار و کسب سود ما فوق مشغول است. و غیره و غیره، همه را (از جمله راه کارگر) گوشزد کرده ایم که تنها به جنبه فدا امپریالیستی جنبش ننگرند و بدام دفاع از میهن بورژوازی

نمی بینند!

ما کلاً دیدی را که توجه به روابط تولیدی و مبارزه طبقاتی وصف بندی نیروها ندارد، مکانیکی و در خدمت بورژوازی نامیدیم. حال به ما میگویند: سیستم را تاریخی تولید نمی بینند، نه رفقا، این انتخابات بهانه است، مسئله اصلی هراس از نابودی بورژوازی لیبرال و واکنش از زمین خرد بورژوازی مرفه است.

خوانندگان رزمندگان با مطالعه دوه شماره آنرا به این امر پی میبرند و راه کارگرا تمسّق بیشتر، موضع ما را نسبت به بورژوازی لیبرال (که موضع بدبختانه خصومت آمیز است!) پی نمی برد!

همه تحلیلها همانطور که گفتیم علی رغم استدلال فوق، به یک نتیجه سیاسی معین میرسد. این تحلیل اقتصادی راه کارگرا بد نتیجه معینی داشته باشد. و این نتیجه هم منحرف کردن راه طبقه کارگر در مبارزه با بورژوازی است، همانگونه که روزی لنین گفت:

"اکنون کاتوتسکی سیر قهقرا - پی در پی گرفته و به بهانه "تحلیل

بنا بر این مسئله بر سر موضوع جدی تربست. ما واقعاً میخواهیم (و قوانین مبارزه جاری در آنها نیست ضعف خود بطور عینی آنرا نشان میدهد) که طبقه بورژوازی را به مثابه یک کل نابود کنیم، کلیت آنرا منهدم سازیم و آنرا به آرزویین برداریم. و با این وجود نه همه اقشار با عناصر آنرا در یک لحظه میخواهیم (و نمیتوانیم) از بین ببریم و نه تمام اجزاء سرمایه را میخواهیم (و نمیتوانیم). از بین ببریم. و از آنجا که بنا به قرار خود "راه کارگر" بورژوازی کوچک و سرمایه کوچک را در معرض حمله انقلاب قرار نمیدهیم، این انتخاب که "رزمندگان نابود می کنند سیستم را نابودی تمام عناصر آن می بینند" سراپا تھی از واقعیت و پوچ است. رزمندگان در پی نابودی کلیت سرمایه داری وابسته و ایضاً کلیت بورژوازی است، اما راه کارگر چون واکنش دارد که ما در بورژوازی لیبرال عزیز! نابود شود، بانگ بر میاورد که اوای، رزمندگان در پی نابودی تمام سرمایه ها و تمام سرمایه داران است و غالب آنکه خود در این ادعای خویش با تناقض روبرو میشود و اظهار میدارد که البته رزمندگان بورژوازی کوچک و سرمایه کوچک را مشمول نابودی بوسیله انقلاب قرار نمیدهد. و با زجالب اینکه چون مضمون سخن رزمندگان را در مورد نابودی کلیت سیستم و بورژوازی بدون نابودی سرمایه

### بازهم درباره...

ال را باید بنا بود کرد. آنچه که ما میخواستیم به او ثابت کنیم و او سرانجام آنرا قبول میکند. اما بگذا رید پیش از وارد شدن در چگونگی قبول این مسئله توسط راه کارگر برای همیشه پرونده بورژوازی لیبرال را ببندیم.

میگویند جزء اصلی سیستم ما به انحصاری وابسته است. این مرد دست خود را گریستم عبارت بود از اقتصاد محض، یعنی اقتصاد به زبیرنا، یعنی آنکه اقتصاد دوهمه ارگانیم اجتماعی مستقیماً برهم منطبق بودند و هیچ فاصله ای در میان آنها نبود.

اما میدانیم که یک سیستم اجتماعی، بر مراتب پیچیده تر و بزرگتر تراز آنست که تنها با یک عبارت: زبیرنا = اقتصاد دوما بر مورتایع آن بتوان کار آنرا یکسره کرد.

اقتصاد جنبه انسانی پیدا میکند، اقتصاد، روابط تولید، در میان انسانها طبقات را بوجود میآورد و طبقات برای حفظ خود به چیزی غیر از

اقتصاد، به چیزی نهائی منطبق بر آن متوسل میشوند. پیداایش دولت و در واقع قدرت سیاسی محصول پدایش تضادهای سخت طبقاتی و عاملی جهت حفظ سیستم طبقاتی موجود است. این مرتابدا نجا پیش میروند که نگاه در طول تاریخ ما شاهد پدایش دولت های میانییم که از لحاظ سیاسی، انطباق با طبقه حاکم اقتصادی ندارند. اما هیچ انسان عاقلی که لحظه ای با ما رکیسیم آشنایی داشته باشد نخواهد گفت که در این حالت دولت سیاست در جهت سیستم و طبقه حاکم اقتصادی حرکت نمیکند زیرا سیستمی را حفظ میکند، تضادهای پراگنده میدارد که بسود طبقه حاکم اقتصادی جامعه است.

(ر. کندی به منشاء خانواده - اثر انگلیس - ترجمه فارسی ص ۲۲۸ بهد) بگذا رید مثالی بزنیم. مثلاً وقتی ناپلئون سوم در فرانسه به منابه یک بنا پارت، در راس یک کاست بر روی حکومت می آید، بنا مواردی که خرده بورژوازی، اشراف بورژوازی با هم به حکومت دست میبایند، همگی نشان میدهند که با وجود حفظ تضادهای که بسود طبقه حاکم اقتصادی است اما قدرت سیاسی در دست آنان متمرکز نیست؛ کیست که بگوید بنا پلئون سوم از منافع بورژوازی فرانسه و بیسار ک

از منافع بورژوازی آلمان دفاع نمیکرد و ترا تا مین نمینمود.

مسائل تاریخ از حل یک معادله درجه دوسامه تر میشد اگر ما گمان میکردیم که طبقات، اقلات، منافع اقتصادی بلاواسطه خود را در سطح اقتصاد به نمایش میگذارند. و تار - یخ به مراتب احقنا نه تر میشد اگر گمان میکردیم که پروسه انقلاب، متوجه تغییر زبیرنا، تغییر جزء اصلی اقتصاد، تغییر سرما به انحصاری وابسته، از طریق تغییر خود آنها بود؛ یعنی نابودی سیستم سرما به داری وابسته به امپریالیسم، از طریق نابودی سرما به انحصاری وابسته؛ یعنی نابودی یک سیستم از طریق نابودی جزء اصلی اقتصاد؛ درحالیکه جزء اصلی اقتصاد خودش را بوسیله چیز دیگری، آنهم نه بطور ساده بلکه از راه ایده ها، افکار، عقاید، مذاهب، سنن، ایدئولوژیها و... سرانجام در عالیترین شکل آن از طریق سیاست و دولت، حفظ مینماید. خلاصه اینکه جزء اصلی اقتصاد در حکم جزء اصلی سیستم اقتصادی اجتماعی نیست.

اینست آن نکته ای که ما سلف منشیوک هرگز نمیتواند آنرا بفهمد. بورژوازی ایران، اینک نماینده سیاسی خود را در قدرت، بورژوازی لیبرال میبیند، و انقلاب با پدایش طبقه را منابه یک کل بطور کامل از قدرت سیاسی خلع و از لحاظ اقتصادی نیز آنرا از کلیت بیاندازد. حال که از لحاظ سیاسی و اقتصاد دی هر دو موقعیت بورژوازی لیبرال بر ما روشن گردید و دیدیم که نماینده سیاسی سرما به انحصاری وابسته پس از قیام در حقیقت همین بورژوازی لیبرال است و دولت که عمدتاً منافع این سرما به را بطور طبیعی حفاظت میکند. کاملاً روشن است که وظیفه انقلاب نابود کردن آن هم میبایشد. از لحاظ عملی او پیکره سیاسی بورژوازی در قدرت است و او بمنابه بورژوازی مرفه سنی (در صورتیکه در قدرت سیاسی باشد) در مقابل قرار میگیرد. حالا اگر کسان میباشند که هنوز فقط میخواهند آنها را بمنابه دلالت و فقط بخاطر دلالت منشی آنها افشاء و منفر کنند، دیگر وظیفه عینیت انقلاب است که آنها را بهوش آورد؛ حتی خرده بورژوازی نیز با توجه به با رضد بورژوازی مبارزه نموده ها شعار مرگ پر سرما به داری را سرداده است!

اما ما سلف عزیز ما، که فهمیده

است چقدر از مبارزه عینی توده ها، و وضعیت طبقات در سیاست بند و است، ناگهان در وسط دعوا میگوید: "رزمندگان ابعاد مبارزه سیاسی را که برای نابودی این سرما به صورت میگیرد (منظور سرما به انحصاری وابسته است) و لزوماً دامن بورژوازی متوسط و لیبرال (؟) را که میکوشد از موجودیت این سرما به دفاع کند، خواهد گرفت، نمیفهمد" راه کارگر - ۲۵

ما که میگوییم نباید بفکسر انفرادی بورژوازی لیبرال بلکه بفکرنا بودی آن بود، ابعاد مبارزه را نمیفهمیم، ولی منفرد کنندگان بورژوازی لیبرال، این اقتصاد دانان که به استان بوسی سرما به متوسط شتافته اند آنرا میفهمند. اما کار تمام نشده، راه کارگر، موضع جدید خود را تدریجاً اعلام میکند، و اصلاً بیرونی خودتصیا ورد که ما در همین زمینه از او انتقاد کرده ایم: "چرا راه کارگر، در این مرحله شعارنا بودی اقتصاد بورژوازی متوسط و لیبرال را نمیدهد. اما شعارنا بودی سیاسی بورژوازی لیبرال را میدهد) همانجا در اینجا نه تنها ابعاد مبارزه دامن بورژوازی لیبرال و سرما به متوسط را میگیرد، بلکه به نابودی آنها هم میرسد بطوریکه در ادامه میخوانیم: بورژوازی لیبرال از نظر سیاسی، چه در قدرت باشد، چه نباشد باید نابود گردد. بورژوازی لیبرال خواهان حفظ مناسبات سرما به داری بصورت شیوه مسلط تولید است (یعنی موقعیت اقتصاد دی و سیاسی اش با آن انطباق دارد رزمندگان) و بنا بر این خواهان حفظ وابستگی و خواهان گسترش آنست، بورژوازی لیبرال جبهه متحد بورژوازی را پاسداری میکند و بدین ترتیب موضع راه کارگر از لحاظ کلی تغییر میکند، و تا -

کتیک نابودی بورژوازی لیبرال در دستور راه کارگر قرار میگیرد. اما آنها اعلام نمیکند که موضع قبلی آنها غلط بوده و آنرا ترک کرده اند. آنها که قبلاً (یا شاید همین حالا) برای بورژوازی انحصاری و وابسته در بلوک سیاسی جایگاه جداگانه ای تراشیده بودند بورژوازی لیبرال را واسطه و محلل "روحانیت" و بورژوازی انحصاری وابسته مینامیدند، حالا او را پاسدار جبهه متحد بورژوازی میدانند و دامن سرما به متوسط

را نیز در معرض انقلاب قرار میدهند آنچه را ما مورد انتقاد قرار داده بودیم میپذیرند و انمود میکنند که از قبل چنین موضعی داشته اند!

اینست اپورتونیسیم در مبارزه ایدئولوژیک و مبارزه طبقاتی بطور کلی بدون انتقاد از خود، اعلام موضع جدید بدون اینکه بگویند: بسیار خوب! ما قبول میکنیم این بورژوازی نباید منفر شود بلکه باید نابود شود! میگویند: ما میگوئیم... وحشی شعارنا میدهیم!!

وقتی ما به بورژوازی لیبرال حمله میکنیم، راه کارگر خود را تا مقام دفاع از سرمایه متوسط تنزل میدهد و نگران حال سرما به کوچک است، ناگهان وقتی میبیند بورژوازی انحصاری در قدرت است و نه سرما به متوسط از بلای نابودی سرما به انحصاری وابسته امکان رهایی دک رد فربا دبرمی آورد: بنا بود با دبورژوازی لیبرال پاسدار جبهه متحد بورژوازی! آیا این اپورتونیسیم آشکار در بر خورد ایدئولوژیک نیست!

یک کمونیست نباید از اینک موضع خود را اصلاح میکند، بوجه جلو میروند با کسی داشته باشند، زیرا جنبش جوان کمونیستی ما و کلاً جنبش انقلابی در طی تکامل خود، در میباید که بعضی جنبه های واقعیت را در نظر نگرفته، اشتباه، نه! عدم ملاحظه آنست که برای جنبش کمونیستی خطرناک است. اما اگر اصلاح، بدون انتقاد و بدون بی ریزی کامل تئوری خطای گذشته صورت گیرد، آنگاه تنها میتوانند به مددی مزاجی یا پراگماتیسم و در مورد مسئله ای که در برابر ماست اپورتونیسیم و تلاش در جهت پیدا کردن نتیجه قوا، منجر گردد.

بهمین علت است که علی رغم طرح تئوریک مسئله و ظفره رفتن از پذیرش! انتقاد، باز هم دم خروس تئوری راه کارگر خود را مینمایند. آنها در توضیح اینکه چرا شعارنا بودی اقتصادی بورژوازی لیبرال را نمیدهند (گرچه بقول خودشان نابودی سرما به انحصاری وابسته دامن سرما به متوسط راهم خواهد گرفت) میگویند: "خرده بورژوازی بدلیل پیوندهایی که با سرما به متوسط دارد (یعنی در واقع خرده بورژوازی مرفه - رزمندگان) در شمارنا بودی سرما به متوسط، از نابودی خود و آینده اش میهراسد." راه کارگر ۲۵ تاکید از ماست.

چنین است حرفهای آن فقها -  
 زنی مشهور که لنین میگوید به بهتر -  
 بین وجهی نظرات منشویکها را نشو -  
 ریزه کرده است .  
 راه کارگر معتقد است شعار  
 نابودی اقتصادی بورژوازی لیبر  
 ال خرده بورژوازی را میماند .  
 (البته واضح است که خرده بورژوا -

زی مرثه را خواهد رساند) آنها  
 همین حرف را در مورد شعار رتایو  
 با دیستیم سرمایه داری وابسته  
 به امپریالیسم میزنند: پایسه  
 استدلال همانطور که میبینید  
 همچنان اقتصاد است!  
 اما راه کارگر که پذیرفته است  
 این شعار را بدهد چرا آنرا اینگونه  
 به سیاسی و اقتصادی تبدیل میکند؟  
 آیا آنها نمیفهمند که در انقلاب

این شعار سیاسی است که تغییر  
 میکند چه اتفاقی پس از انقلاب  
 و در جریان انقلاب بوقوع میبندند  
 آیا آنها نمیدانند که وقتی ما شعار  
 نابودی بورژوازی لیبرال را بدهد  
 هم (و در پراگتیزم منظم  
 نابودی سیاسی است) باز هم  
 خرده بورژوازی مرفه که از لحاظ  
 سیاست به آن نزدیک است رزمیده  
 میشود. آیا راه کارگر نمیدانند که در  
 انقلاب ما مسئله اساسی اتحاد  
 کارگران با توده دهقانان و  
 زحمتکشان شهری است نه با خرده -  
 بورژوازی مرفه قضیه درست همین  
 جاست: راه کارگر برای توسعه دا -  
 منه انقلاب در برابر بورژوازی  
 لیبرال دچار ترس و تردید و سپر  
 اندازی میشود و میباید که مبادا  
 خرده بورژوازی مرفه از انقلاب  
 برمد بدرحالیکه آنها عملاً از انقلاب  
 رزمیده اند افضیه اینجا است که دا منه  
 انقلاب را چگونه باید گسترش داد:

### سر مقاله

میبینیم که وظیفه کمونیستها  
 در شرایط کنونی خطر تر از آنست که  
 بتوان بسادگی از آن سخن گفت .  
 توده ها از حکومت میبرند ولی ساز -  
 شکاران و اپورتونیستها از یکطرف  
 آنان را در توهم و فریب با قسی  
 میگذارند و از طرف دیگر بورژوازی به  
 بهره برداری از آنها امید توده ها و  
 بی اعتمادیشان از حکومت میبردازد!  
 خرده بورژوازی حاکم تلاش میکند  
 پتانسیل انقلابی توده ها را بسود خود  
 و برای تحکیم موقعیت خود مست  
 دهد! و کمونیستها؟  
 بورژوازی تلاش میکند از وضعیت  
 موجود برای ایجاد شرایط مساعد  
 حال خود بهره برداری کند. ما میدا -  
 نیم که جنبش انقلابی روبه توسعه  
 است و امکان آنکه بورژوازی  
 بتواند سلطه خود را با زگرداندن تحکیم  
 کند ندارد. اما این امر با بدیهه معنی  
 آن نیست که بنا به آنچه گفتیم همه

ده ها را با ایده های ضد انقلابی خود  
 میفریبند. کمونیستها با پدراه حسیل  
 خود را ارائه دهند تا نه تنها مکتوب  
 توهم اولی ها بلکه تبلیغات ضد  
 انقلابی دومی ها را خنثی نموده راه را  
 برای توسعه و گسترش مبارزه و آماد  
 گی انقلابی توده فراهم کنند.  
 توده ها با پدید آمدن ما موظفیم  
 که این مسئله را وسیعاً توضیح دهیم که  
 تنها یک حکومت انقلابی، از ما -  
 پندگان حقیقی کارگران و زحمتکشان  
 حکومت بر مبنای شورا های انقلابی  
 کارگری و دهقانی حکومتی که بر  
 مبنای قدرت توده ها و خود قدرت  
 توده ها است میتواند آنها را نجات  
 دهد. طرح حکومت انقلابی برای تو -  
 ده ها است که میتواند بدترین جای  
 توهما و تبلیغات ضد انقلابیون را  
 ببرد. ما با پدیدار گاهای حاکمیت  
 توده ای و وظایف آنها را روشن کنیم  
 و به زبان ساده بر نامه حکومتی  
 انقلابی را برای مردم توضیح دهیم.

با برگردن صفوف انقلاب از نیرو -  
 های بیابینی یا با انفراد آنها؟!  
 و سپر اندازی در مقابل ضد انقلاب؟  
 اینک یک دوره مبارزه ایدئو -  
 لژیکی میان ما و راه کارگر و همه  
 کسانی که اندیشه ها و تئوریهای  
 مشابه آنان را دنبال میکنند به  
 پایان میرسد. ما نشان دادیم که  
 چگونه راه کارگر با تردید و دولسی  
 سرانجام میپذیرد که با یدیورژوا -  
 زی لیبرال را نابود کرد. دیدیم که  
 راه کارگر قبول میکند که با یدیورژوا  
 سیستم سرمایه داری وابسته یدیورژوا  
 امپریالیسم را نابود کرد. و این  
 نابودی بهر حال دا منه سرمایه  
متوسط را هم میگیرد. اگر چه آنها  
 کوشش میکنند که نشان دهند حرف

آیا با یدمجدوب این درگیریها شد؟ آیا با یدیک جناح  
 ضد انقلاب را بر علیه دیگری تقویت کرد و برای اینکار با آن  
 وارد گفتگو و عقد قرارداد های محرمانه گشت .

**★ رفقا! هواداران! هم میهنان مبارز!**

کمک های مالی شما نقش مهمی در ادامه کاری و گسترش  
 فعالیت ما و اهداف انقلابی سازمان ما دارد. این کمکها  
 را بعنوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید.  
 برای اطمینان شما از دریافت کمک های مالیتان  
 به سازمان از این به بعد یک عدد بعنوان کد انتخاب کرده  
 و به همراه نام اول حرف خود به دریا فستکننده کمک مالی  
 دهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در  
 نشریه درج میکنیم.  
 مثلاً اگر مبلغ پرداختی شما ۷۰۰۰ ریال و کد انتخابی  
 ۹۵ حرف اول نام شما "ج" باشد در ستون کمک های مالی  
 دریافت شده "ج ۷۰۹۵" را ملاحظه خواهید نمود.

چیز خود بخودی پیش برود و توده ها  
 انقلاب کنند و ضد انقلاب نابود گردد!  
 نه! تا زمانی که کمونیستها متحد  
 نباشند و بر نامه واحدی نداشته باشند  
 تا زمانی که ما در برابر اندیشه  
 های مسموم و انفجالی بورژوازی  
 نتوانیم راه حل خود را توده ای کنیم  
 و آلترنا تیف خود را به توده ها ارائه  
 دهیم، بحران و تلاطم سیاسی وجود  
 خواهد داشت بدون آنکه انقلابی بو -  
 قوع ببینند و تغییر مهمی صورت  
 پذیرد.  
 سازشکاران، اپورتونیستها،  
 و... هیچ نمیگویند، بورژوازی تو -  
 طبیعی است که تدوین چنین آلتر -  
 نا تیوروشنی وظیفه همه کمونیستها  
 است. بدون آن هرگونه گام بردا -  
 شتن به جلونا ممکن است. توده ها  
 با پدید آمدن ما چه میخواهیم و آنچه ما  
 میخواهیم چگونه همان چیزی است  
 که با منافع و مصالح آنها انطباق  
 دارد (ما در این مورد در شماره های  
 بعد مفصلاً صحبت خواهیم کرد)★

■ - از این پس (س، ج) در همه  
 جای نشریه، علامت اختصاری سازمان  
 چریکهای فدایی خلق ایران، اکثر  
 بیت است



بقیه از صفحه ۱۰

اصلاحات

بلوک سیاسی حاکم در برخورد به گسترش اجتناب ناپذیر سرمایه داری دولتی موجود است. بورژوازی لیبرال میگوید تا این گسترش را حتی الی مکان محدودتر نماید و با نجات مالکیت و فعالیت بخشهای هر چه بیشتر از بورژوازی، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را در درجه اول بنبغ این بخشها در آورد.

خرده بورژوازی حاکم در تلاش است تا سلب مالکیت خصوصی بورژوازی و موقعیت اقتصادی اقشار این طبقه را تا آن میزان که برای نجات اساسی نظام اقتصادی و اجتماعی حاکم و قدرت سیاسی خویش لازم میآید، اندیبنگ گسترش مالکیت دولتی انجام دهد. خرده بورژوازی در پی آنست که اصلاحات را بنبغ موقعیت اقتصادی و اجتماعی قشر خود انجام داده و این قشر را از امکانات دولتی بهره مند سازد.

اختلاف میان خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی لیبرال در بسیاری زمینهها با ماضی یکی بنبغ دیگری و کوشش در تقلیل جنبه های نامساعد برای این با آن طرف قابل مبیاه شد. اما اختلاف این بلوک با توده های بی که خواهان سرنگونی نظام سرمایه داری وابسته هستند قابل حل نشود و تنها با اصلاحات و انحرافات سیاسی قابل تعویق است.

یکی از زمینه های مشخص این سازش و در واقع اعمال قدرت بلوک طرح اصلاحات ارضی است. مطالعه وضعیت روستاها در اثر انقلاب سفیدی شاه و سپس رشد جنبشهای دهقانی بر پایه تضادهای موجود در روستاها و اجبار حکومت به اصلاحات ارضی مجدد در اثر این جنبشها، و با اواخر مطالعه پروسه تنظیم و تصویب طرح و محتوی آن از بسیاری از ابهامات موجود در مورد ماهیت طبقاتی حکومت و عملکرد آن برده بر میدارد. و بر اساس این چنین مطالعه ای است که میتوان آن زمینه های مبارزه توده دهقانی و وظایف انقلابی آنها را دریافت و با تحلیل مشخص از این مبارزه و شرکت فعال در آنها و جمع بندی براتیک این مبارزات سمت و جهت و شایه های مشخص آنها را تعیین نمود.

طرح اصلاحات ارضی حکومت تمام خصوصیات آن بسمتی است که حکومت میگوید به تغییرات اقتصادی اجتماعی و سیاسی در چهار چوب نظام سرمایه داری وابسته بدهد. سمتی که

بسیاری از الزامات بویژه رشد مبارزات توده های زحمتکش، از هم پاشیدگی اقشار فوقانی بورژوازی و حضور خرده بورژوازی مرفه سنتی در حکومت ایجاد مینماید.

نوشته کنونی نظری اجسامی به نتایج اصلاحات بورژوازی دروستاها در زمان رژیم شاه و پروسه تنظیم و محتوای طرح جدید اصلاحات ارضی است. این نوشته تنها زمینه ای است برای بررسی های عمیقتر و همه جانبه تر مسئله ارضی - دهقانی در روستاهای ایران و مبارزات دهقانان - بررسی هایی که هم اکنون در حال انجام است.

اصلاحات ارضی بورژوازی

بورژوازی از تقسیم زمین قصدی جز وارد کردن دهقانان در اقتصاد مبتنی بر تولید کالا ندارد. بورژوازی با این عمل خود، هم اقتصاد بسته فئودالی را درهم می شکنند، هم پتانسیل انقلابی دهقانان را کاهش میدهد و هم سپردن قطعه ای زمین به آنها، سعی میکند دهقانان را جزو سپاه حافظان مالکیت در آورد و هم آنها را وارد بازار رقابت نماید. در نتیجه زمینی را که از این دست به آنها سپرده است از دست دیگر بازمیگیرد. بورژوازی نمیداند که قطعات پراکنده زمین دهقانان و سرمایه اندک آنها در مقابل سرمایه عظیم و امکانات تولید و توزیع سرمایه داران مانع کوچکی خواهد بود و در پرتو آنها را خواهد بیلید و دهقانان را به صف مزد بگیران پرتاب خواهد کرد. با این همه، اصلاحات ارضی را با احتیاط فراوان انجام میدهد. تقسیم زمین تا آن حد مطلوب اوست که مالکیت بزرگ بورژوازی بر زمینها را تهدید نکند و آنها بتوانند از راههای جدید بهره کشی و سودورزی خود ادامه دهند.

اصلاحات ارضی شاه که بدلیل هر دو این از نیروی متراکم شونده و انتقال بی خلق تحت ستم سیستم بهره کشی فئودالی و به منظور آماده کردن شرایط لازم برای بهره کشی سرمایه (وابسته) انجام شد، اصلاحاتی بورژوازی بود که روابط تولیدی سرمایه داری را در روستاها و در کسب جامعه گسترش داد.

بدنیال قیام و به قدرت رسیدن حافظین جدید سرمایه داری وابسته، برای هیات حاکمه چیزی نبخشید. آنکه شاه انجام داده بود صرف

نمیگرد. زیرا چارچوبی که سرمایه داری وابسته بتواند در آن به جمع آوری سودهای کلان و استثنای خلق (در اینجا دهقانان) بپردازد بسیار اصلاحات مفید بخوبی فراهم شده بود و هیات حاکمه فعلی دلیلی نمیداد در آن تغییری دهد. بخصوص اینکه اغلب زمینهای بزرگ و مکانیستیزه بورژوازی بزرگ اکنون مصادره شده و یابیی صاحب مانده و با مال به مالکیت دولت درآمده بودند.

اما توده های دهقانی به وعده های این جهانی و آن جهانی در اثر روبروشدن با آثار عینسی آن اطمینان نکرده و وقتی دیدند که هیات حاکمه ضد انقلابی در فکراتان نیست، خود دست بکار شدند و بر مالکیت بزرگ ارضی یورش آوردند. این خواست حرکت خودجوش دهقانان بوده و هست که برای حل مسئله ارضی و حل فقر و سیاه روزی خویش به راه حل ساده "تقسیم زمین به تکه های فراوان و تملک جداگانه ایس تکه ها جهت رسیدن به یک زندگی بخور و نمیر دست بزند. این "راه حل ساده" از خلقت طبقاتی جنبش خودجوش دهقانی برمیخیزد که بدون رهبری پرولتری، ابتکاری خرده بورژوازی است. در واقع با سوء استفاده از همین "راه حل ساده" است که بورژوازی جنبشهای خودجوش دهقانی را مهار میزند. به ایس ترتیب بورژوازی پروسه انقلابی مصادره زمینها و مالکیت دهقانان بر زمینها را که میتواند از دل جنبشهای دهقانی بیرون بیاورد (در صورت رهبری انقلابی پرولتری) به پروسه پذیرش اصلاحاتی تبدیل میکند که معنای آن پروسه تدریجی و در دناک قشر بندی روستاها، پروسه تشدید فقر و فلاکت دهقانان و پروسه جدا شدن تدریجی دهقانان از روستاها، از شدت فقر و روی آوردن آنها به شهرها است.

جنبش دهقانی، بعنوان یک جنبش دمکراتیک، از جنبه سیاسی و محتوای انقلابی دمکراتیک آن برای پرولتاریا اهمیت فراوان دارد. جنبش دمکراتیک دهقانان بر علیه فئودالها و در جوامع سرمایه داری وابسته، بر علیه زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم، میتواند بعنوان یک نیروی بزرگ با مبارزه پرولتاریا برای کسب قدرت سیاسی همگامی و همراهی نماید. پرولتاریا همواره از ایس جنبش حمایت میکند زیرا که

تخریب انقلابی و سریع جامعه کهنه علاقمند است. تا بودی نظام کهنه هر چه سریعتر و با شرکت فعالانه توده ها صورت گیرد، امکانات بهتری را برای گذار به سوسیالیسم فراهم خواهد نمود.

برای حل مسئله ارضی - دهقانی حرکت انقلابی آنچنان حرکتی است که بتواند قدرت توده ای را برای پیدایش شکل عالیتری از تکامل اقتصادی در کشاورزی تامین کند و تنها در چنین صورتی میتواند مورد تأیید پرولتاریا قرار گیرد. بعبارت دیگر پرولتاریا نه تنها به انقلابی بودن چگونگی این حرکت، یعنی حرکت دهقانان برای مملکت، بلکه برای انقلابی بودن نتیجه این حرکت یعنی برداشتن مرزهای میان تکه زمینها و کاهش هر چه بیشتر مالکیت انفرادی و کار جداگانه بر روی زمینها که از جمله علت های اصلی فقر و سیاه روزی توده دهقانان است تا کید میورزد. با چنین درکی از "راه حل" است که پرولتاریا به تبلیغ و ترویج و سازماندهی در میان توده دهقانان پرداخته و مبارزه آنها را هدایت مینماید و اولتیماتوم اول در اینباره متشکل شدن دهقانان برای مصادره دستجمعی زمینهاست.

اصلاحات بورژوازی که برای مهار نمودن جنبشهای دهقانی دفاع از مالکیت خصوصی بورژوازی بر زمین و گسترش این مالکیت در میان این طبقه صورت میگیرد، اصلاحاتی است که با تقسیم تعدادی از اراضی مصادره (با پرداخت غرامت از بیت المال) در میان دهقانان در صورت دهقانان با "راه حل ساده" نهادن تطبیق مینماید. زمین کوچک دهقانان و اوامها و تعهدات داده شده و وابسته قهقرا ی فلاکت میکشاند و عاقبت به نحوی از آنجا زمین به مالکیت بورژوازی در میآید. دهقان آزاد و به شهر آورده و به خیل اردوی ذخیره کار در میآید.

بنابراین اصلاحات ضد انقلابی برای هدف صورت میگیرد. اولاً کاهش استعداد انقلابی دهقانان و ثانیاً بهره برداری سودآورتر از زمین با شیوه های بورژوازی و نیز استفاده از نیروی کار روستا در مصرف نهفته در روستا در خدمت نظام سرمایه داری. تقسیم مقداری از زمینها در میان دهقانان از مهمترین روشها می است که در هدف فوق را بر آورده میسازد. زیرا اولاً تعدادی از رعایای

بقیه از صفحه ۱

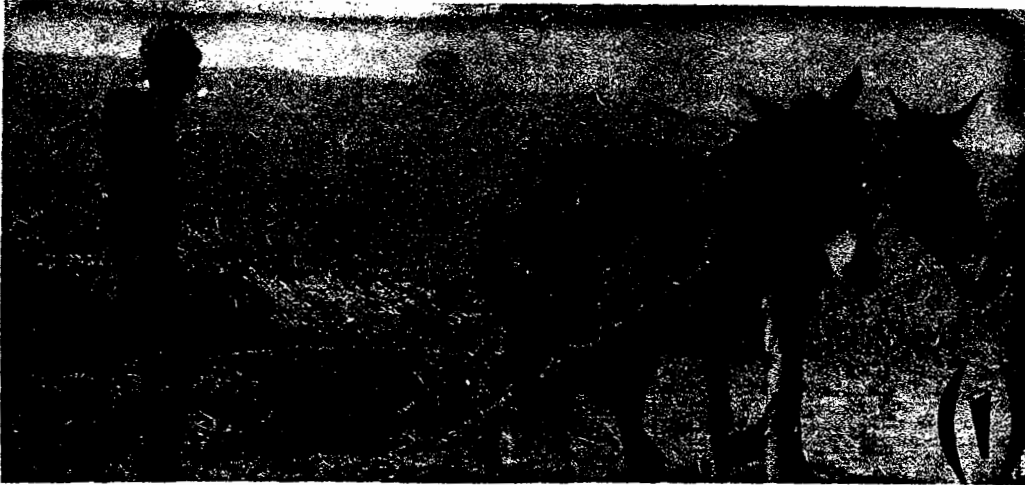
سرمایه داری وابسته را به اتحنا ذ  
تدابیر جدیدی وادار میکنند. تدابیر  
بیری درکنارتد بپرسرکوب ، تدبیر  
املاح معمول املاحاترضی رژیم شاه  
که بدنبال دوره ای ازقشربندی جدید  
درروستاها معلوم گشت ، توده دهقان  
را برروی تکه های کوچک زمینها و  
زمینهای بزرگ ومرغوب رادردست  
مالکان بزرگ ارضی (دولتی وخصوصی)  
متمرکز نمود. قشرخرده بورژوازی مر  
نهروستاها (خرده مالکین )نسبت به

ادامه این جنبش دامین زمینهای  
متوسط وموقعیت مرفه آنان را نیز  
فرا میگرفت .  
دولت وظیفه دفاع ازنظام سرمل  
یه داری وابسته را بعهده داد و این  
بموجب بورژوازی وابسته است . اما  
اینکه این دفاع چگونه صورت میگردد  
وسود طبقه بورژوازی چگونه تا مین  
مینما بدوچه شکلی بخود میگردد ،  
بنا به شرایط عینی وذهنی حاکم بر  
جامعه متفاوت میکند ، با ترنگونی  
اقتار فوقانی بورژوازی از قدرت  
سیاسی ودرهم ریختن قدرت اقتما

بسیار زیادی از آن را بخود پیاده  
است انجام میدهد. ضمناً این  
بویژه خرده بورژوازی است که بطور  
عمده بتوسط این دستگا بسوی بور  
ژوازی بزرگ جلب میگردد و تا بسبع  
وی میشود. و این دستگا قشرهای  
فوقانی دهقانان وپیشروان جز و  
سواگران وغیره را به مشاغل نسبتاً  
راحت و بی دردسرو آبرومندی میکما  
رد و دارندگان این مشاغل را ما  
فوق مردم قرار میدهد .  
"دولت وانقلاب"  
ما این جنبه از جذب خرده بورژوا

ووابط بورژوازی را گسترش میدهد .  
ودرجا مع ما گریزی از خصوصیات  
نظام سرمایه داری وابسته نخواهد  
داشت . اما ضعف خود دولت دودست  
گرفتن امور تولیدی واقتصادی  
آن رانه تنها از چنگ انداختن بر  
روی تولیدکنندگان کوچک کسه  
بهم میهمی در تولید واقتصاد دارند  
بازمیدارد ، بلکه بالعکس با جلب  
حمایت آنها میکوشد تا هم بحران  
اقتصادی را کاهش دهد و هم از نظر  
سیاسی ثبات پیدا کند .  
بورژوازی لیبرال از همین

# اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی



رژیم شاه وضعیتی دوگانه داشت . از  
یکسو از نظم موجود و مستقر در روستاها  
بر علیه توده دهقانی بهره میبرد ،  
واز سوی دیگر نسبت به سیاست حکومت  
مبنی بر پیشتیبانی از مالکیت  
بزرگ بروستاها که عرصه روستاها را از  
نظر اقتصادی واجتماعی و سیاسی بر  
خرده مالکین تنگ می نمود اعتراض  
داشت .

دی آنها ، مالکیت بزرگ بروسا بیل  
تولید سرعت روبه شکل دولتی دارد .  
درواقع نظام سرمایه داری وابسته  
که قبلاً از سوی عناصرو محافل وگرو  
هبندیهای اقتار فوقانی بورژوازی  
ورژیم آنها حفاظت میگشت ، امروز  
بشکل جدیدی ادامة حیات یافت و  
محاظت میشود .

وازی به دستگا دولتی نظام  
سرمایه داری رادرجا مع خود بویژه  
بعدا ز سرنگونی رژیم شاه مشاهده  
میکنیم . تعویض بسیاری از بورژوا  
کراتهای سابق به سرپرستان و  
ناظرین جمهوری اسلامی و پیدایش  
ارگانهای جدید حکومتی (سپاه  
پاسداران ، کمیته ها ، جهاد سازندگی  
بنیاد مستضعفین و ... ) که ایضا  
همگی اجزاء دولت بمفهوم لنینی  
کلمه هستند به نگر جذب خرده بورژوا  
ازی به دستگا های اداری ونظامی  
بوده است .

اندازه هم بسیار ناراحت است .  
اگر کار به روال مورد نظر او جلو  
میرفت اصلاحات اجتناب ناپذیر  
راحتی الامکان محدود و بخشهای هر  
چه بیشتری از بورژوازی بزرگ  
راهم از این عارضه معاف مینمود .  
جنبشهای کارگری و دهقانی و کلاً  
توده های زحمتکش مانع اصلی این  
محدودیت میباشد . اما مانع دیگری  
که در مقابل بورژوازی لیبرال قد  
علم میکند حضور خرده بورژوازی می  
فستنی در قدرت سیاسی است .

ورود خرده بورژوازی مرفه سنتی  
به قدرت سیاسی جدید که بخصوص از طریق  
بخشی از روحانیت تا مین شده بود ،  
برای خرده مالکین طلبه امیید  
بخشی بود که امکانات دولتی قدرت  
جدید را به خدمت خود درآورد . در حال  
لیکه جنبشهای توده دهقان روبه گستر  
ش و تعمیق است ، مهار نمودن این  
جنبش از طریق اصلاحات محدودی در  
مورد مسئله ارضی که بدون هیچگونه  
لطمه ای به منافع خرده مالکین  
خصوصاً و با حداقل لطمه به منافع  
مالکین بطور کلی ، و با جبران  
" خسارات وارده " به آنها از ناحیه  
امکانات دولتی انجام گیرد ، برای  
خرده مالکین ضروری است . زیرا

حضور قشر فوقانی خرده بورژوا  
وازی در قدرت سیاسی ، از لحاظ  
هیت ونقش این قدرت ، در رابطه با  
اساسی نظام اقتصادی واجتماعی حل  
کم تغییر نداد و نهمیدهد ، اما  
گسترش مالکیت دولتی امکانات  
فراوانی را بفتح خرده بورژوازی فر  
اهم میکند و اصولاً با تکیه بر این  
استقبال است که سرمایه داری دولتی  
گسترش مییابد .

اما انقلاب ۵۷ ایران با انقلا  
بهای بورژوازی او و با تفاوت های  
بسیار ی دارد . ولذا نه تنها دستگا  
اداری ونظامی را گسترش داده و خرده  
بورژوازی را بخود جلی مینماید ،  
بلکه نقش خرده بورژوازی در این  
انقلاب وحضور قشر فوقانی آن در قد  
رت سیاسی اقتار فوقانی بورژوازی  
رادرم شکسته و سرمایه داری دولتی  
را رواج میدهد . شکی نیست کسه  
سرمایه داری دولتی در واقع ما  
لکیت بزرگ بروسا بیل تولید است

خرده بورژوازی حاکم بنا به  
غفلت طبقاتی خود اصلاحات را تا آن  
میزان که برای نجات دادن سیستم  
اقتصادی - اجتماعی حاکم ضروری  
است ، لازم میدانند و البته میکوشد  
که این اصلاحات در درجه اول متو  
جه بهبود وضعیت اقتصادی واجتما  
عی و سیاسی قشر خود باشد . زیرا از  
این رهگذر نه تنها موقعیت قشر  
خود را تحکیم ، بلکه حضور خود در قدر  
ت سیاسی را تضمین مینماید .  
اکنون دو کرایش متفاوت در  
بقیه در صفحه ۹

**قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها  
فقط بوسیله کارگران وزحمتکشان امکان پذیر است!**



دوشنبه ۹ تیر ۱۳۵۹  
تک شماره ۱۵ ریال

# پیک رزمندگان

## راندگانا کاسی شهر به شهر مبارزه برای حقوق صنفی

به تجمعیان در وسط خیابان  
جلوی ماشینها نشستند هنوز  
یک ساعت از این مسئله نگذ  
شده بود که بقیه در صفحه ۷۶

هفته دوم خرداد تا کسیر -  
انان اهواز به عنوان اعتراض  
به بی توجهی دولت نسبت به  
خواستهایشان در جلوی استاد -  
یوم ورزشی اهواز اجتماع  
کردند ولی تا حدود ظهر به  
خواستهایشان پاسخی داده نشد  
و اطلاق کسی سرانجام نیا مدو  
آنها به عنوان اعتراض  
به این بی اعتنائی مسئولین

## دشمنان خلق دست یکدیگر را رو میکنند!

در چند ماه اخیر، جناح  
بنی صدر و لیبرالها در حکومت  
در پی انقلاب فرهنگی آنچنانی  
تحت فشارهای زیادی بوده و  
مرتباً از جانب حزب جمهوری  
اسلامی مورد حمله قرار میگیر -  
فتند. بقیه در صفحه ۲۶

علنی شدن سخنان آیت  
یکی از سردمداران رونیان  
گذرا را زوئور بیسنهای حزب  
جمهوری اسلامی علیه بنی صدر،  
یکی دیگر از حوادث جنجال  
برانگیز سیاسی هفته گذشته  
بود و بار دیگر توجه زحمتکشان  
ما را بخود جلب نمود. آنها بار  
دیگر در یافتند که چگونه طالبان  
قدرت، هر لحظه برای رسیدن  
به جاه و مقام به توطئه گری  
علیه منافع آنان پرداخته و در  
پشت چهره حمایت از  
"مستضعفین" خون خلق را  
و شقیه بازی های سیاسی خود  
قرار میدهند.

### توده های خروشنده!

## 'کمیته مرکزی' فدائیان به آستانبوسی بورژوازی می رود!

- نه جانم! این امتیاز  
زات، نمیشود این امتیاز را به  
بخشی از مردم داد.  
- آخر اگر ندهید "مسما  
نمیتوانیم تبلیغ کنیم، تفاهم  
کنیم" .... بقیه در صفحه ۹۶

## نگاهی به مردم و مجاهدین

"آیا فراموش کرده اید،  
در بسیاری از حملات فالانژها  
به مراکز و دفاتر شما و هوادار -  
نتان، این پاسداران هستند  
که به نفع مرتجعین وارد عمل  
میگردند"  
"کاش یک روز با پاسدار -  
انی که ما با یقین نبریشان  
را بکنیم از نزدیک برخورد  
داشتید و میدیدید که چه مشکلاتی  
برای فروش مجاهدین ما  
ایجاد میکنند..."

هیئت حاکمه بارها سعی  
نموده بشیوه های گوناگون  
رفرم و سرکوب مبارزات طبقه -  
تی و جنبش انقلابی را در جامعه  
ناپود ساخته یا به انحسراف  
بکشاند و اوضاع را بر وفق مراد  
خود تثبیت نماید. اما تاکنون  
تنها شکست پاسخ این سعی و  
کوششها بوده است. و هر بار پس  
از هر شکست هر دو جناح همانند  
حیوانات وحشی از بند رسته به  
تکه پاره کردن یکدیگر -  
پرداخته اند. و گناه این شکست  
را به گردن یکدیگر انداخته اند!

### در صفحات دیگر میخوانید:

- دوستی دولت پاکستان و ایران  
بر سر چیست؟
- یک مسابقه پرهیجان برای  
خوانندگان باهوش!
- قیاسی میان  
بخشنامه های 'فلاحی' و 'آزهاری'
- اخبار کردستان
- حمله کمیته چپ های آبادان  
به کتابفروشی ها!

## قصه برای بزرگسالان

"اینهم از سیاهی که  
اینقدر سنگش را به سینه میز -  
دید، آیا غیر از این بود که  
پاسداران به روی مردم

# دشمنان خلق...

بقیه از صفحه ۱

جریان طبس و دخالت عوامل آمریکا در ارتش جمهوری اسلامی، به حزب جمهوری امکان داده بود که برای تضعیف بنی صدر در قدرت و قبضه کردن همه امور در دستان خود، دست به افشاکاری علیه بنی صدر زده و زامنزوی کند. البته این واضح

شده در روزنامه ها روشن است، خط به خط سخنان آیت، حکایت از توطئه های سازمان یافته و حساب شده مینماید. اما برخلاف آنچه که روزنامه ها میخواستند نشان دهند، بنی صدر بلکه بر علیه جنبش انقلابی و بر علیه منافع خلق ستم دیده و بر

اگر روزنامه انقلاب اسلامی این نوار را افشاء میکند، مانوری است برای امتیاز گرفتن در مورد انتخاب نخست وزیر و هرگز، عزیزم ادعاها پیش برای آگاه کردن توده ها نیست

است که این افشاکاری ها نه برای آگاهی توده های مردم، بلکه برای قبضه کردن قدرت و بکار بردن شیوه های خاص حزب در سرکوب مبارزات بکار میرفت. اما لیبرالها، و بنی صدر نیز نمیتوانستند ما کتک بنشینند آنهم زمانی که انتخاب نخست وزیر نزدیک است! آنها نیز باید دست بکار میشدند تا برای قبضه کردن قدرت به منظور سرکوب مبارزات خلق و تثبیت اوضاع به شیوه های خود آن جناح دیگر نشاء کنند.

بالاخره روزنامه انقلاب اسلامی پس از اینکه بنی صدر چندین بار "فرصت طلبانی" را که در راه برقرار شدن "حاکمیت" و "امنیت" در مملکت کارشکنی میکنند، تهدید به افشاء نمود و درست در زمانی که "رئیس جمهور" با سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی و دیگران در جلسه شورای انقلاب "میثاق وحدت" میبستند، متن نوار سخنان آیت را رومیکنند! عجب ضربه تلافی جویانه ای که سران حزب مجبور به تشکییل نشستهای ویژه و دادن توضیح و اطلاعاتیه و بیانیه مینمایند! هما نظر که از متن نوشته

علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست. "انقلاب فرهنگی" یا عبارت صحیح ضد انقلاب فر هنگی و یورش مغول وارو همه جانبه به دانشگاه های ایران یکی از اساسی ترین توطئه های برنامه ریزی شده میباشد که هدف آن نه بنی صدر بلکه نیروهای انقلابی و کمونیستها میباشد. البته بعد این یورش به دبیرستانها نیز سرایت خواهد کرد. هما نظر که "جناب آیت" فرموده اند: "دانشجوها، چون دانشجو، عنوان دانشجو دارد. بخصوص دبیرستانها را شما باید شروع کنید به کنترل کردن، بریید درس بدهید بحث کنید (هر دبیرستان دو نفر). دانش آموزان را حوزه بندی کنید هما نظر که آنها میروند (کمونیستها) شما هم باید بروید. آنها را هم شروع میکنید در کارشان مشکل ایجاد کردن، نمیگذارند بیا-ئید آنجا. کمونیستها که مطلقاً میمانند ما هدین که عنوان اسلامی دارند بخودشان، آنها عملاً جلوی شان را میگیرند و...". اما برای اجرای ایسن توطئه امید چندانی به "بالا"

نبود زیرا در "بالا" لیبرالها از رشد ناراضی مردم بوحشت افتاده و با اجرای این طرح به این شیوه مخالفت خواهند کرد. پس میباید جریان را از "پائین" شروع کرد. از طریق عوامل خود در دانشگاهها یعنی انجمن های اسلامی. بعد لازم است نظر مردم به حمایت از این عمل بوسیله مساجد و منا برجلب شود. بطوریکه بعداً بگویند که این خواست "مردم" بوده است. هما نظر که تاکنون انجام هر عمل جنایتکارانه خود را با سپر "خواست مردم" پوشانده اند. بدین ترتیب برنامه ریزان به مزدوران خود در تبریز (محل شروع توطئه یورش) با اتکاء به طرح و برنامه خود توصیه میکنند:

"به بچه ها بگوئید (منظور انجمن اسلامی که در تبریز دانشگاه را در اشغال خود دارند) قرض و محکم باشند. بزو دی موج عوض میشود، به بچه ها بگوئید که قرض و محکم باشند و ترس نداشته باشند تصمیمی گرفته شده را تغییر و تغییر ناپذیر است، دانشگاهها بعد از ۱۴ خرداد تعطیل میشود....." آیا این توطئه علیه بنی صدر است؟ ما میگوئیم نه! و هما نظر که در زمان انجام

بستن دفا ترسیاسی میخواهند انجام دهد. بهمین دلیل وقتی توطئه توسط حزب جمهوری اسلامی ریخته شده بنی صدر تنها با آن مخالفت نکرد بلکه بقول آیت "برموج سوار شد" و رهبری این جنایت را بدست گرفت و عاقبت جریان را تا حدودی بنفع خود و بشیوه خود فیصله داد. اکنون نیز در حال بهره برداری از نتایج آن است.

جالب توجه آنکه هر دو جناح سعی میکردند نشان دهند که نیروی مردم پشت سیاستهای آنان میباشد! هما نظر که کمونیستها و نیروهای انقلابی بکرات در تبلیغات خود اعلام نموده و نشان داده اند که چگونه دست اندرکاران قدرت برای پیاده نمودن طرحها و مقاصد خود و بدست آوردن هر چه بیشتر کرسی در قدرت سیاسی نیروی توده ها را ملعبه دست خود قرار داده اند و از توهم زحمتکشان بنفع خود سود میجویند و چگونه توطئه ها و دسیسه های خود را به نام خواست مردم به اجرا در میآورند. اکنون آیت در سخنان خود به این شیوه ردیلا نه اقرار مینماید:

"... ما ندانم مردم که مردم هم جهت ندارند و جهتشان

برخلاف آنچه که روزنامه ها میخواستند نشان دهند توطئه حزب جمهوری اسلامی نه علیه بنی صدر، بلکه بر علیه منافع خلق ستم دیده و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست.

هم روحانیت است، روحانیت هم که وقتی درست برگردانند عموم مردم هم بر میگردند. الان هم عموم مردم هنوز دقیقاً در جریان نیستند کی به تکیه فکر میکنند بنی صدر و بهشتی هم در یکجریان هستند...." بله حزب جمهوری اسلامی و کل هیئت حاکمه با در دست داشتن کلید و سائل تبلیغی از بقیه در صفحه ۵

توطئه حمله به دانشگاهها و کشتار دانشجویان مبارز و انقلابی و پس از آن بارها و بارها اعلام نمودیم که یکی از اهداف هیئت حاکمه جلوگیری از فعالیت سیاسی دانشجویان است. زیرا آنجا را سنگری علیه خود و بنفع زحمتکشان میبینند. و در این میان یک جناح این کار را با بستن دانشگاه و جناح دیگر تنها با

# نگاهی به: مردم و مجاهدین

آتش گشودند...

(مجاهد شماره ۹۲ ص ۷۱)  
اینها همه فریادهای  
هواداران انقلابی و مبارز  
مجاهدین است، هوادارانی که  
از دل و جان کار میکنند و به  
سازمان خودایمان دارند،  
هوادارانی که هر روز مجاهد  
میفروشند، هوادارانی که  
در دفاعات ترکا میزنند و در حمله  
به دفاعات رزایا ساداران کتیک  
میخورند، و مجروح و زخمی  
و کشته میشوند چرا این هواد-  
اران باید قبول کنند که  
تخت فرماندهی همان کسانی  
که آنها را کتک میزنند، همان  
کسانی که نمیگذارند صدایشان  
را به گوش کارگران و زحمتکش  
برسانند و بالاخره همان کسانی  
که "به نام مبارزه با کفر و  
الحاد مردم محروم مبارا  
(در کردستان) به خاک و خون  
میکشند؟" (نقل از مجاهد شماره  
۹۲ ص ۷) مبارزه کنند  
اعضا و هواداران مجاهدین  
با واقعیت روی بیاورند و واقعیت  
آنها را مقابل سیاست سازمان  
مجاهدین خلق در مورد "قرار

هیئت تحریریه سازمان  
مجاهدین به این اعتراضها  
چنین پاسخ میدهند:  
"انتقادات در این مورد  
فراوان بود ولی ما هنوز هم که  
هنوز است به آنچه که در اعلامیه  
گفته ایم معتقد و وفاداریم"  
چرا؟

سازمان پاسخ میدهد:  
به نظر ما سپاه ساداران اساساً  
از توده های محروم مردم  
تشکیل شده است و اکثریت  
برادرانی که در سپاه عضویت  
دارند جوانانی هستند که در  
مبارزه با شاه خائن نیز نقش  
داشته اند

اما سازمان مجاهدین  
خلق به این سؤال هم باید  
جواب دهد: کدام ارگان سرکوب  
از توده های سرمایه دار و  
توده های میلیونی و توده های  
غیر مردم تشکیل شده است؟  
ارتش، ژاندارمری، شهربانی  
حتی گارد دانشگاه در زمان  
رژیم شاه از چه کسانی تشکیل  
شده بودند؟ آیا سربازان  
فرزندان کارگران و دهقانان

سازمان مجاهدین خلق به این سؤال  
هم باید جواب دهد: کدام ارگان سرکوب از  
توده های سرمایه دار و توده های میلیونی و  
توده های غیر مردم تشکیل شده است؟

وزحمتکشان نیستند یا کسانی  
که به پاسبانی و خدمت در  
شهربانی رومی آورند (بجز  
فرماندهان مزدوران) از  
فقیرترین اقشار زحمتکش  
نیستند؟ حتی تعدادی از  
افراد گارد دانشگاه  
هم از بچه های پرورشگاه  
بود که آنها را با افکار

دادن میلیشیا تحت فرماندهی  
سپاه ساداران "قرار میدهد  
و باین ترتیب سیل اعتراض و  
نامه به سوی سازمان که چنین  
سیاستی را برگزیده سرازیر  
میشود، فریادها به آسمان  
میروند و سازمان مجاهدین در  
مقاله مردم و مجاهدین به  
پاسخگویی مینشیند"

فایشستی شستشوی منفری  
داده و به جان دانشجویان مباد  
رزوانقلابی می انداختند.  
درست است که سپاه ساداران  
هم چون تمامی ارگانهای  
سرکوب حکومتها از توده های  
مردم تشکیل شده است و هما -

نظور که نوشتید "اکثریت  
آنها جوانانی هستند که در مبارزه  
با شاه خائن نقش داشتند"  
اما بعد چه شد؟

سازمان خود پاسخ میدهد:  
"بسیاری از جوانان پرشور و  
انقلابی در این نهاد تصفیه  
شدند، بسیاری دیگر که طاقت  
دیدن اعمال نفوذ غیر مردمی  
را نداشتند خود استعفا  
کردند.... به نظر ما بسیاری  
از عملکردهای اشتباه برادر-  
ان پاسدارمانا می از ما -  
هیت خودآنان نیست بلکه ناشی  
از ما هیت جنگ افروزی است  
که از احساسات پاک و بی آرایش  
این عزیزان سوء استفاده کرده  
و آنان را در جهت اهداف جنگ  
طلبانه و مرتجعانه خود بسیج  
میکنند"

سازمان مجاهدین خود  
اعتراف میکند که سپاه از  
جوانان پرشور و انقلابی خالی  
شده بسیاری تصفیه شدند و  
بسیاری از دیدن اعمال غیر  
مردمی استعفا داده اند اما با  
وجود این سازمان مجاهدین  
میخواهد میلیشیا خود را  
تحت فرماندهی این سپاه  
قرار دهد، سپاهی که از اعضای  
خود در جهت اهداف جنگ طلبانه

ارگانهای سرکوب سیستمی ما و رای تک  
تک اعضا آن هستند و ماهیتی متفاوت با آن  
دارند.

و مرتجعانه استفاده میکنند!  
سپاهی که امروز از احساسات  
پاک عنا سر خود استفاده میکند  
آیا فردا از احساسات  
پاک میلیشیا شما استفاده  
نخواهد کرد؟ در آن موقع  
هم ماهیت مرتجعانه سپاه

و میلیشیا شما با هم درخ  
مت جنگ افروزان قرار نخوا  
اهد گرفت؟ هر چند که عناصر  
میلیشیا شما هم چون  
عده ای از پاسداران همچنا  
نکه عده ای از سربازان همچنا  
نکه عده ای از پاسبانها، ما -  
هیت جنگ افروزی نداشته با -  
شد که ندارند!  
سازمان مجاهدین خلق  
ایران باید جواب دهده که آیا  
مگر ما هیت یک سرباز جنگ  
افروزی است؟ آیا مگر سربا -  
زی که بروی مردم آتش  
میگشاید میخواهد خلق و کار -  
گران و زحمتکشان را به شهادت  
برساند؟ ارگانهای سرکوب  
سیستمی ما و رای تک تک  
اعضا آن هستند و ماهیتی  
متفاوت با آن دارند و این  
مسئله ایست که سازمان مجا -  
هدین خلق آگاهان سه از آن  
میگذرد.

این درست است که بسیاری  
از پاسداران در راه رژیم شاه  
مبارزه کرده اند، بسیاری از  
پاسداران به رژیم جمهوری  
اسلامی متوهم هستند و تصور  
میکنند که این رژیم میتواند  
منافع کارگران و زحمتکشان  
بقیه در صفحه ۴

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

## نگاهی به مردم و مجاهدین

را برآورده کند، و بسیاری از آنان فرزندان کارگران و زحمتکشان هستند ولی فرمادهی این سپاه در دست چه کسانی است؟ این سپاه در خدمت اهداف چه کسانی به کار برده میشود.

چه کسی را سرکوب و از منافع چه کسانی دفاع میکند و کارنامه ۱۵ ماهه این سپاه کدام است؟ آیا در کارنامه سپاه ساداران چیزی جز حمایت از منافع سرمایه داران و سرکوب کارگران و زحمتکشان دیده میشود؟ آیا عناصر سپاه میتوانند حرکتی جدا از فرمادهان خود داشته و مردمی عمل کنند؟

شما مینویسید در بسیاری از نقاط! سپاه دارای عملکردی کاملاً مردمی و انقلابی بوده اند؟ اولاً یک نقطه از این بسیاری نقاط را نام ببرید! اما فرض کنیم چنین بوده است: کجا بوده که سپاه پاساداران به عملکردی جزیی در بل استثماریان دست زده باشد و مورد مواخذه فرمادهان خود قرار نگرفته باشد؟ کجا بوده که سپاه پاساداران برای یک حرکت مردمی بسیج شده باشد و علیه سرمایه داران مبارزه کرده باشند، کجا بوده که بعضی از عناصر سپاه از منافع مردم در مقابل فتوالاتها و سرمایه داران دفاع کرده باشند و فوراً رهبران آنها و دیگر سران حکومتی جریان را به حال اول خود در نیاورده باشند؟ آیا عناصر سپاه میتوانند به عملکردی جز آنچه که از بالا برایشان دستور میرسد دست بزنند "واقعیت عینی عملکردهای

غیر مردمی آنها" که موجب میشود به نظر شما "تائید یکپارچه کاردرستی به نظر نرسد" به همه هر روز نشانی میدهد که سپاه در مقابل منافع کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است ولی شما با زیر "برخورد و گانه خود" پای میفشرد!

اما استدلال سازمان برای در اختیار گذاشتن ملیشیا خود تحت فرماندهی پاساداران

آیا وظیفه نیروهای انقلابی اطاعت از همان فرماندهان مرتجع و ضد مردمی است که سپاه پاساداران برای اهداف جنگ طلبانه و مرتجعانه خود بسیج میکنند، یا بیرون کشیدن پاساداران انقلابی که میخواهند با آمریکا مبارزه کنند، از زیربوغ این فرماندهان؟

چیست؟

سازمان پاسخ میدهد: "باید به منافع کلی انقلاب فکر کرد؟! چنانچه برادران پاساداران ما بخوانند با آمریکا مبارزه کنند - هم چنانکه بسیاری از آنان میخواهند - ما وظیفه خود میدانیم که با تمام قوا از آنها پشتیبانی و حمایت و حتی اطاعت کنیم." اما سازمان مجاهدین در همین استدلال خود دچار تناقض میگردد:

فرض کنیم بسیاری از "برادران" پاساداران با آمریکا مبارزه کنند، ولی فرماندهی آنها در دست کسانی باشد که شما آنها را مرتجع و فرصت طلب میخواهید و ما آنها را ضد انقلاب حال به این سؤال پاسخ دهید در چنین وضعیتی وظیفه نیروهای انقلابی چیست؟ آیا وظیفه

از همان فرماندهان مرتجع و ضد مردمی است که سپاه پاساداران برای اهداف جنگ طلبانه و مرتجعانه خود بسیج میکنند یا بیرون کشیدن پاساداران انقلابی که میخواهند با آمریکا مبارزه کنند از زیربوغ این فرماندهان؟ پاسخ سا - زمان مجاهدین پاسخ اول است و به همین علت است که ملیشیا خود را که از جوانان انقلابی تشکیل شده برای منافع کلی انقلاب؟! برای مبارزه با آمریکا؟! در خدمت سپاه پاساداران قرار میدهد و البته همان فرماندهان مرتجع و جنگ طلب و نه یک یک پاساداران که از فرزندان زحمتکشان

هستند جواب دندان شکنی به آنها میدهد و هواداران نیز در برخورد به واقعیت عینی نمیتوانند این رهنمود را بپذیرند، سازمان مجاهدین میگوید برای آنکه به پاساداران نشان دهیم که ما هم با آمریکا مبارزه میکنیم و نگذاریم ما را ضد پاساداران معرفی کنند باید به زیربوغ فرماندهان مرتجع پاساداران برویم یا دیرویم و در مبارزه های که آنها با آمریکا میکنند همراه شویم: اما پاساداران میگویند: "سرکوب نیروهای مسلح در کردستان جنگ با آمریکا است، تیراندازی به مجاهدین منافع جنگ و تیراندازی با امپریالیسم است، اگر راست میگوئید با ما همراه شوید!" اما مجاهدین پاسخی دیگر دارند آنها که هنوز نیرویی انقلابی به شمار میروند

انقلاب شرکت کنند نمیتوانند ملیشیا خود را به کردستان بفرستند، تینوا اندیا به پای پاساداران بدفتر شود حمله کنند! و به همین علت مبارزه با آمریکا را نه در فروش نشریه مجاهد که پاساداران مانع آن هستند در برپا کردن دفتر و کیوسکهای کناره خیابان که پاساداران آنرا آتش میزنند، نه در برگزاری میتینگ در امجدیه که پاساداران بدان تیراندازی میکنند بلکه در جایی دیگر جستجو میکنند و از اینرو اطاعت از پاساداران را در مبارزه های "اھی با آمریکا" که معلوم نیست کی چگونه و به چه صورتی است جایز می شمارند و مینویسند "در کار مبارزه با امپریالیسم آمریکا چنین اطاعتی را ضروری نمی شماریم!"

سازمان مجاهدین به این سؤال پاسخ نمیدهد که مگر فروش نشریه مجاهد، برگزاری میتینگ و برپا کردن دفتر و کیوسک در پمپ بنزین انجمن میثاق و دیگر شهرها مبارزه با آمریکا نیست شما میگوئید و اینها مبارزه با آمریکا است و این مبارزات مبارزه با آمریکا است پس چرا در سرکوب این مبارزات با پاساداران همراه نمیشوید؟ پاساداران سرکوب "مبارزه شما با آمریکا" را "مبارزه با آمریکا" میدانند! آیا مبارزه با آمریکا از دیدگاه فرماندهان مرتجع سپاه پاساداران سازمان مجاهدین خلق دوتا نیست؟ بنظر ما چنین است، و از اینرو است که هواداران سازمان مجاهدین در مبارزه با آمریکا نمیتوانند از فرماندهان مرتجع سپاه پاساداران اطاعت کنند، و همه توضیحات و توضیحات، جزییات، ساز و شکاری و سیاست بسازی در امر انقلاب نمیتواند چیز

# قیاسی میان بخشنامه‌های "فلاحی" و "ازهارى"

مردم ما از یاد نبرده‌اند که چگونه، در ارتش - مزدور شاهنشاهی، هرکسی که نفس حق میکشید، به اعدام، یا زندانها و شکنجه‌های طاقت فرسا محکوم میشد و همه این امور نیز تحت لوای دفاع از میهن صورت میگرفت اما همه میدانند که منظور فرماندهان ارتش از دفاع از میهن، در واقع دفاع از جیب گل و گشاد سرمایه داران و امپریالیسم آمریکا بوده است.

حالا، همان فرماندهان که چون ماری خوش خط و خال پوست انداخته اند و عابدوزاهد

و سرپرست فعلی ستاد ارتش مادر کرده است بخوبی دیده میشود.

در قسمتی از این بخشنامه آمده است:

"گزارش واصله از ل ۱۶ (یعنی لشکر ۱۶)، حاکیست در این موقع حساس و زمانی بحرانی که دشمنان مملکت و سرکردگان اجانب از انقلاب اسلامی ایران هراسان شده و در گوشه و کنار کشور قیام مسلحانه نموده اند برادرستورات مادره از طریق "نزاجا" جهت برقراری امنیت داخلی و جلوگیری از هرگونه تشنج

پرسنل از اجرای دستورات صادره نموده و با تهدید فرماندهان باعث ناآرامی و اغتشاش شده اند که دستور داده شد پرسنل متمرکز و محرک فوراً به زندان رز - مرتحول و پیرونده آنها می آید آن به دادگاه ویژه انقلاب ارتش ارجاع گردد"

اما واقعاً پرسنل ارتش چرا از دستورات فرماندهان مزدور شاهنشاهی خویش - پیچی میکنند؟ گناه آنها چیست که باید به دادگاه ارجاع شوند؟ گناه آنها، همان گناهی است که ۱۶هـ همافرقهرمان را، در روزهای واپسین سقوط

بقیه از صفحه ۲

را دیو و تلویزیون گرفته تا روزنامه‌ها و مساجد و منابر از همان ابتدای بقدرت خزیندن سعی نموده اند مردم را همچنان در ناآگاهی و بی خبری از وقایع پشت پرده نگاه داشته و آنان را در سمت منافع خود بحرکت در آورند، و حنا یات خود را در دانشگاه، کردستان، ترکمن صحرا، میان کارگران بیکار، در کارخانه‌ها و ..... بنا م مردم انجام دهند. و هر جناح در انجام این امر از جناح دیگری پیشی گرفته و موقعیت خود را در قدرت سیاسی تحکیم نماید. ولی تنها پس از هر شکست بجان هم افتاده و به "افشاگه" علیه یکدیگر پراخته و مظالم نمایی میکنند و همه گناهها را بگردن دیگری میاندازند. تا شاید بتوانند با دیگران ز قیام باشی توهم توده‌ها جلوگیری نموده و آنها را بدنبال سیاستهای ضد خلقی خوبکشانند.

توطئه آیت، نوار آیت، و توطئه حزب جمهوری اسلامی، در واقع بر علیه بنی صدر نیست چنانکه حتی امام جمعه در یکی از خطبه‌هایش بوضوح گفته است که ما (یعنی هیات حاکمه) در مقابل دشمنان انقلاب (یعنی انقلابیون و توده‌هایی که در همشان شکسته شده است) با وحدت داریم. نوار آیت، جگله بیت از برنامهای دامنه‌داری است که برای قبضه کردن قدرت و سرکوب مبارزات خلق ماست و در این میان دعوا بر سر شیوه‌های عمل است نه نفس خود عمل و اگر روزنامه انقلاب اسلامی این نوار را افشاء میکند مانوری است برای امتیاز گرفتن در مورد انتخاب نخست وزیر و هرگز، علیرغم ادعاها - بیش برای آگاه کردن توده‌ها نیست

بخشنامه شماره ۲۰۴/۲۶/۵ (قشائی) - اقدام سریع تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۰

از ستاد نزاجا (معاونت پرسنلی - مدارگزینی - قشائی) اقدام سریع به - نیرندگان یکم موضوع: تحکیم مانی انضباط و جلوگیری از تحریک و تفرق

گزارش واصله از ل ۱۶ حاکیست در این موقع حساس و زمانی بحرانی که دشمنان مملکت و سرکردگان اجانب از انقلاب اسلامی ایران هراسان شده و در گوشه و کنار کشور قیام مسلحانه نموده اند برابر دستورات صادره از طریق نزاجا جهت برقراری امنیت داخلی و جلوگیری از هرگونه تشنج و خنلر یک نتیجه آن از دست دادن استقلال و تمامیت ارضی کشور میباشد بعد از پیرونده آنها می آید آن به دادگاه ویژه انقلاب ارتش ارجاع گردد

گشته اند، بنام دفاع از استقلال بخشنامه‌های آنچنانسی، (البته با همان انشاءبندی‌های مسخره شاهنشاهی) مادر کرده و مبارزین و انقلابیون داخل ارتش را به مصاف میطلبند.

از جمله، این مسالهدر بخشنامه‌ای که فلاحی فرمانده بیلی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی (نزاجا) و خطر یک نتیجه آن از دست دادن استقلال و تمامیت ارضی کشور میباشد تعدادی از پرسنل تی ۳ زرهی همدان و گند ۱۸۵ ما موریت داده شده که به منطقه ارومیه اعزام و یگان مستقر در اشنویه را تعویض نمایند ولی با نهایت تأسف معدودی از آنان با تظاهر به خلقی بودن مبادرت به تحریک

و خطر یک نتیجه آن از دست دادن استقلال و تمامیت ارضی کشور میباشد تعدادی از پرسنل تی ۳ زرهی همدان و گند ۱۸۵ ما موریت داده شده که به منطقه ارومیه اعزام و یگان مستقر در اشنویه را تعویض نمایند ولی با نهایت تأسف معدودی از آنان با تظاهر به خلقی بودن مبادرت به تحریک

رژیم گذشته، به دادگاه کشاند. حمایت از خلق چینی که فرمانده کینه توز ما آنرا به تمسخر میکشد. آری افسران، سربازان و درجه داران انقلابی، بی، زندان، شکنجه و شهادت راه برادر کشی و کوشش در جهت حفظ سیستمی که برای نابودی ۶۰ هزار شهیدان زجانب خلق قهرمان تقدیم گردید، ترجیح میدهند

# مرگ بر امپریالیسم و ازتجاع!

# دوستی دولت پاکستان و ایران بر سر چیست؟

● اگر یک دولت در واقع ضدا میریالیست باشد آیا میتواند با دولت هایی که دست نشانندگان بی چون و چرای امپریالیسم در این منطقه هستند روابط حسنه‌یی داشته باشد؟

مساله رابطه رژیم جمهوری اسلامی ایران، با پاکستان هم از آن حکایت‌های شنیدنی است. مردم ما از یاد نبرده اند که ضیاء الحق، چگونه یا رگرمابه و گلستان شاه مزدور بود شاه به راه اعلام میکرد که هرگونه خطری رژیم اسلامی پاکستان را تهدید کند، امنیت ما را هم بخاطر خواهد انداخت.

حالا دیده میشود که وزیر خارجه پاکستان، آقا شاهی معروف، بارها و بارها به ایران سفر کرده و با مقامات جمهوری اسلامی به مذاکره مینشیند و در باره مسائل جهانی و محل بحرانهای منطقه بحث کرده و در این طرف و آن طرف دنیا کنفرانس میگذارد از سوی دیگر، تشکیل کنفرانس اسلامی در پاکستان که عملاً جبهه‌ای آمریکایی در منطقه تشکیل میدهد، و شرکت جمهوری اسلامی در آن، که دم از مخالفت با آمریکا میزند، خود موضوع قابل تعمق است. سؤال اساسی در اینجا اینست که اگر یک دولت در واقع ضدا میریالیست باشد، آیا میتواند با دولت‌هایی که دست

نشانگان بی چون و چرای امپریالیسم آمریکا در منطقه و حافظ منافع و عامل اجرای نقشه‌های امپریالیسم در این منطقه هستند روابط حسنه‌یی داشته باشند؟

پاسخ به این سؤال، شاید برای کسانی که ماهیت سرمایه دارانه رژیم را میشناسند چندان مشکل نباشد. زیرا نمیتوان سیستم سرمایه داری وابسته را حفظ کرد و در عین حال بطور واقعی و تمام عیاری ضدا میریالیست بود. میگویند؟ پس به این خیر توجه کنید!

اینک دیگر همه مردم ایران آنگاه شده اند که رژیم جمهوری اسلامی، برای سرکوب خلق کرده از یکا بردن فانتوم‌های ما - فوق صوت دریغ نکرده و شهرهای کردستان را با این وسیله جهنمی به زیر گلوله گرفته است. اما آگاهان به مسائل فنی نظامی اطلاع دارند که این هواپیماها در هر پرواز باید پاره‌ای از لوازم خود را تعویض کنند (از جمله چرخها که پس از چند بار نشست و برخاست

احتیاج به تعویض دارند) و اینجاست که لوازم یدکی لازم میآید!

دولت بازرگان در این مورد مشکلی نداشت و با تمدید قراردادهای فروش لوازم یدکی با آمریکا مساله را حل کرده بود. اما آیا مگر ماهیت دولت جدید بازرگان فرق میکند؟ مثل روز روشن است که این دولت به یک اندازه به لوازم یدکی فانتوم احتیاج دارد اما مشکل دولت بنی صدر این است که از ترس مردم نمی تواند با آمریکا صیغه خواهر و برادری بخواند و بخصوص که داستان کذایی محاصره اقتصاد هم قوزبلاقوز شده است. اینجاست که دوستان جمهوری اسلامی کمک میآیند. وسایل یدکی، بوا سطله دولت پاکستان، به ارتش جمهوری اسلامی ایران میرسد. علاوه بر این برخی از وسایل راهم از طریق هنگ کنگ دریاقت میکنند!

آری، اینها هستند راز سربه مهر رابطه جمهوری اسلامی با دولت پاکستان! ★

میزدندانها را و اعتراف بگیرند " آری آشکار شدن حقایق مربوط به کمیته‌های کرمانشاه روشن میکند که تا پورتقربیی وسعی عقیقی از هواداران کومه له و سازمان دانشجویان پیشگام که چند ماه پیش بوده شده و جسدشان در کوههای اطراف کرمانشاه پیدا شده بود چگونه به شهادت رسیدند و چرا شهید شدند.

چندین ماه بعد از این جنایات و یکسال و اندی پس از شکنجه هر روزه مبارزان و

انقلابیون و پس از مدتها افشاگری کمونیست‌ها ناگهان رژیم به یاد این کمیته میافتد و آنرا منحل میکند و البته برای آنکه دست همه کمیته‌ها و پاسداران هر چه بیشتر پیش مردم روشن شود ادعا میکند که "این گروه جدا از سایر پاسداران و کمیته‌ها عمل میکرد و کسی از کارهای ضد اسلامی و انسانی آنها هیچ اطلاعی نداشت" بر راستی میتوان باور کرد استناد و روایات مقامات رژیم جمهوری اسلامی در کرمانشاه از جنایات این کمیته که در تمام ایران مشهور شده بود در تمام نشریات کمونیستی و انقلابی از آن نام برده شده بود خیر نداشته باشد؟ اگر خبر نداشتند پس چگونه یکبار آنرا منحل کردند و چگونه تنها این امکان را بوجود آوردند که تشکیل شود بلکه در مقابل جنایاتی چنین وحشیانه و خونخوارانه دهان فرو بستند؟ در حال حاضر نیز فرستاده‌های اعزامی ریاست جمهوری "ضمن تشکر و سپاس از زحمات بی شایبه و مداوم افراد گروه ضربت صلاح را در انحلال این گروه دانسته است!!" زهی بیشرمی و وقاحت! بعد از ۱۵ ماه یک شکنجه‌گاه و جایگاه جانان را منحل میکنند. اما با سپاس و با تشکر از زحمات بی شایبه و مداوم افراد آن با تشکر از اینکه دهها مبارز و انقلابی را زیر شکنجه به شهادت رسانده اند، با تشکر از اینکه روستاها را غارت کرده اند، با تشکر از اینکه روستاییان را شکنجه داده اند! فرستاده ریاست جمهوری از تمام اعمال این کمیته حمایت کرده و بعد آنرا منحل میکند، چون گندش خیلی در آمده بود. با این حرفها چه تضمینی وجود دارد که فردا این کمیته دوباره بنا کمک دستهای دیگر "به کار نیفتد و هزاران نفر دیگر را به شهادت و جراحت و غارت نرساند؟

نقل قولها همه از کیهان یکشنبه ۲۵ خرداد ★

## تقدیر بخاطر شکنجه!

اگر از زنده میکرد، آشکار شد که آنها برای اعتراف گرفتن از شخصی که مضمون بهداشتن اسلحه است "زیر بغل اورا به جیب میبندند سپس جیب را در آن حال بدور خود میچرخانند" آشکار شد که در هنگام بازجویی ۱۲ انگشت به چشم متهم فرو میبردند و به هر که دلشان میخواست، اتهام ضد انقلاب میزدند. و احوال او را توقیف کرده و با طپانچه انقدر به سرش

گروه ضربت کمیته مرکزی کرمانشاه، قاتل و شکنجه گر سعید عقیقی و شاپورتقربیی منحل شد و با انحلال این کمیته و دستگیری و نفر از پاسداران با ردیگر پرده از روی یکی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی برداشته شد و افشاگری‌ها و حقیقت گویی‌های کمونیستها آشکار شد. آشکار شد که "زندانیهای کرمانشاه یا دزدانهای ساو-



بقیه از صفحه ۱

فروزش "معاون راهنمایی به میان تاکسیرانان آمد و قبیل از آنکه کسی دهان باز کند گفت در میان شما عده ای اخلاک گریه شما باید خواسته های خودتان را بگوئید؟ و نگذارید کسی از شما سبب استفاده کند! شما برای گرفتن خواسته هایتان باید ایستادگی کنید. اما با این حرفها اعتراض تاکسیرانها از هر طرف بلند شد. یکی از تاکسیرانان گفت یکسال است به ما وعده میدهند ولی به هیچیک از خواسته هایمان رسیدگی نکردید. خواسته های تاکسیرانان انحلال سندیکا، فرمایشی ایجاد شود، افزایش کرایه ماشین و تهیه وسایل یدکی بود. اما بعلمت بی برنامه گی و نداشتن اتحاد، تجمع بدون نتیجه پایان یافت.

■ - به دنبال درگیری زیادی که رانندگان تاکسی کرمانشاه با استاندار و روزگویی های او در مورد خرید و فروش تاکسی و کارت شهری و تزئینات درون تاکسی ها و غیره داشتند ۲ نفر از رانندگان تاکسی به سمت تهران حرکت میکنند تا به "حضور امام" رفته و خواسته هایشان را تسلیم کنند. خواسته های رانندگان تاکسی عبارت بود از رسیدگی به وضع قطعات یدکی، رسیدگی به وضع اسفالت، کوپن بنزین و آزاد شدن سند (شما) قبل اداره راهنمایی رانندگی تعدادی پلاک تاکسی به داد وطلبین و اگذار کرده بود که تا مدت ۵ سال رانندگان حق فروش تاکسی خود را نداشته اند. این پلاک ها به "شماره امام" مشهور بود و قیمت این تاکسی ها بسیار ارزانتر

از بازار بود. اما سه روز بعد که تاکسی رانان به کرمانشاه بر میگردند در محل پلیس راه با پاسداران روبرو میشوند و پاسداران اجازه نمیدهند آنها به سمت شهر حرکت کنند بقیه تاکسیرانان که خود را برای استقبال از آنها آماده کرده بودند با اطلاع از این موضوع دست به اعتصاب وسیع میزنند که به علت ناگهانی بودن و عدم سازماندهی نمیتوانست سراسری شود (نزدیک به ۴۰۰ تاکسی ران در این اعتصاب شرکت داشتند تاکسیرانان ابتدا در میدان گاراژ تجمع میکنند و بعد حدود ۱۰۰ دستگاه از آنان به سمت مدخل ورودی شهر میروند تا به آنان که از تهران برگشته اند ملحق شوند اما اینان نیز در وسط راه با پاسداران روبرو میشوند. برخورد پاسداران با این رانندگان تاکسی شدیداً خصمانه بوده است و کوچکترین موضوعی موجب تهدید و لطمه از جانب پاسداران میشد. پاسداران رانندگانی را که از تهران راه افتاده بودند به سمت زندان دیزل آب میبرند و تاکسی هایی که به استقبال آنها آمده بودند هم دنبال آنها راه میافتند از این عده حدود ۸ نفر دستگیر میشوند و تاکسی های بقیه هم توقیف میگردد.

روز شنبه ساعت ۹ صبح تاکسیرانان جلواستانداری اجتماع کرده و خواستار آزادی تاکسیرانهای اسیر میشوند. چند نفر از نمایندگان عازم محل کار استاندار میشوند تا با او مذاکره کنند. بقیه تاکسیرانها هم به خواست نماینده که به آنها میگوید بروند و عصر در محل سندیکا اجتماع کنند محل را ترک میکنند و در خیابان براه میافتند و تاکسی هایی را که کار میکنند میکنند و چندین بار شعار میدهند "تاکسیران زندانی آزاد باید گردد" اما

این حرکت هم که خود بخودی بود ادامه نیافت و تاکسیرانان برآکنده میشوند وقتی تعدادشان خیلی کم میشود حشرب الهی ها حمله کرده و ۳ تا ۴ نفر از آنها را به شدت مضراب میکنند از این هنگام خبر میرسد که نمایندگان اعزامی آنها هم که پیش از استاندار رفته بودند با زداشت شده اند!

در تمام طول این مدت رادیو، تلویزیون، جهاد سازندگی و استانداری، از طریق اعلامیه و بیانیه از رانندگان شخصی تقاضا میکردند که در شهر مسافر کشی نکنند و تعدادی از عوامل کمیته مسافر کشی میکردند.

بعد از قضیه کتک خوردن چندین تاکسیران و دستگیری تاکسیرانهای نماینده دامنه اعتصاب فروکش کرده است. و با وجود حاد بودن قضیه بعلمت کم کاری نیروهای انقلابی و ضعف فوق العاده سازماندهی مبارزه به سادگی سیر نزولی پیش گرفت.

■ - بعد از پیاده شدن مرحله سوم طرح ترافیک تاکسی رانان تهران نیز به شکل های مختلف تحصن راه پیمایی و تجمع جلوشهرداری به طرح ترافیک اعتراض کرده و خواسته های صنفی خود را مطرح کردند. این اعتصاب که کمتر کسی است از آن خبر نداشته باشد تا مرحله مناظره ۶ تلویزیونی رانندگان تاکسی و شهردار و رؤسای اداره راهنمایی و رانندگی پیش رفتی است.

سیرباور نکردنی گرانی مواد غذایی و کالاهای یدکی عرصه را بر رانندگان تاکسی از دو سو تنگ کرده است اینان از یک سو با خرید قطعات یدکی، بنزین، روغن و... که روز به روز گرانتر و کمیاب تر میگردد روبرویند و از سوی دیگر برای سیر کردن شکم زن و بچه هاشان باید گوشت و نان و مواد غذایی

کران قیمت تهیه کنند این سورم و کرانی موجب کشته است که روزیدر و در آمدنا کسیرانان کمتر گردد و قطع کوپن بنزین و اجرای طرح های ترافیکی بدون مشورت با خود رانندگان تاکسی باعث میشود که آنها از صبح ناشب فشار زیادی را تحمل نمایند.

اما علیرغم آنکه تاکسی رانان از ارتباط وسیع با مردم برخوردارند و نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی روز آگاهی دارند اما بعلمت نبود شکل و نیز وجود سندیکاها و اتحادیه های فرمایشی مبارزات آنان برای کسب خواسته هایشان به نتیجه نرسیده و پیروزی مبارزاتشان از تشکیل شوراهای اتحادیه ها واقعی و خلق یداز سندیکا های فرمایشی و هیئت مدیره فرمایشی میگردد. \*

### سربازان دیگر نمیخواهند

### گماشته فرماندهان باشند

سربازان پادگان مسجد سلیمان از روز جمعه ۱۶ خرداد بمدت ۲ روز دست به اعتصاب غذا زدند در طی این دوروز فرماندهان برای ترساندن سربازان سخنرانی میکردند ولی سربازان برخواسته های خودشان که عبارتند از زلف و گماشتگی، از بین بردن قوا، نین پیش فنگ، پافنگ مقابل درب پادگان، تامین کلیه وسایل رفاهی و ورزش، تامین گوشت تازه اصرار دارند.

بالاخره بر اثر فشاری سربازان برخواسته های خود روز سوم تمامی فرماندهان گروهان جمع شده و اجباراً به اکثریت خواسته های سربازان جواب مثبت دادند.

در طول اعتصاب و در تمام سخنرانی ها فرماندهان سربازان را تهدید میکردند که آنها را به کردستان خواهند فرستاد! \*



# فرمان‌های جمهوری بردیوارکارخانه‌ها!

شرکت چوب فریم، در قاع شهر، چند ماه پیش، حدود صد کارگر را برای قسمت بهره برداری استخدام کرد از همه وقت مدیریت تشخیص داد بتوانند کارگران را اخراج کنند. کارگران که از زور فشار و بیکاری و سختی زندگی مجبور به امضاء شده بودند با اخراج و استخدام مجدد کارگران دیگر، در این مدت ویران شده و این وضع نیز برای ایشان غیر قابل تحمل شده بود.

پس از آن، این شرکت اعلام کرد که کارگران را بیمه نمی‌کند و از آنها استفاده نمی‌کند و از آنها امضاء گرفت که هیچگاه تقاضای رسمی شدن نکنند. این کارگرها آن جمعه‌ها حقوق نمی‌گیرند و ۲۵٪ معمول اضافه کاری را به آنها نمی‌دهند. این فشارها و نارواییها کارگران را بخشم آورده و کوششهایی برای ایجاد شورای واقعی کارگری بعمل آوردند. که این بار نیز با دسیسه‌های کارفرما روبرو شدند کارفرما، یک هفته پس از این تصمیم، سه نفر از کارگران مبارزان را اخراج کرد. و بخشناهای به دیوار نصب کرد که "طبق دستور رئیس جمهور، کارگرانی که اخلاص میکنند، کم کاری میکنند، یا از سرپرستان حرف شنوی ندارند یا ایداع شونده‌ها را نگاهانقلاب اسلامی تحویل شوند!!"

آری، فرمان‌های جمهوری دیوار تمام کارخانه‌ها را برای حمایت از سرمایه در مقابل سیل اعتراضات حق طلبانه زحمتکشان زینت کرده است.

## از خواست کارگران شبکار حمایت کنیم!

کارگران شیفت شب کار - کار کشیدند. خانه‌نکار، پس از مدت‌ها که بطور شفا هی و کتبی تقاضاهای برحق خود را با مسئولین در میان گذاشته بودند، سرانجام پس از اینکه مطمئن شدند حرف حساب به گوش سرمایه‌داران نمیرسد و با اعلام کتبی خواسته‌ها - ایشان، روز ۲۵ خرداد دست از

# یک صحنه تکان دهنده از یک نمایش تکراری!

کشیده است. آری قرار داد مقدس است. و این راهمه کس میداند! کارگر در برابر شدت سختی کار، تاب تحمل ندارد. او حتی به گریه می‌افتد و فریاد میکشد. اما قرارداد مقدس است و این راهمه کس میداند!

کنتراتچی، از این همه تملق و خیره‌سری در حیرت است و بشدت پرخاش میکند. و کارگر چاره‌ای جز تسلیم ندارد. جدال به پایان میرسد. عدالت سرمایه‌داری - که چیزی نمانده بود خدشه دار شود. دوباره برقرار می‌گردد و کارگر آرام، صبور، شکسته اما فروزنیخته، همچون انبانی از نفرت و خشم فروخورده، پاها پیش را بر زمین میکشد و به سمت کار می‌رود. قرارداد میان کار و سرمایه، اینبار نیز نجات مییابد!

کش، دوماه پیش، خود را به مدت شش ماه و مبلغ ده هزار تومان کنترات داده است. دوماه با تمام پس مانده‌های نیرویش، ذره ذره جانش را در قربانگاه سرمایه، تقدیم میکند. اما اینک جانمایه‌اش به پایان خط رسیده است. آخرین ذخیره‌های توش و توانش به پایان رسیده اند و او دیگر چیزی - آری هیچ چیز! - برای قربانگاه سرمایه ندارد. اما قرار نبود چنین شود! او جانش را برای چهار ماه دیگر نیز به کنترات گذاشته است! چه کند؟

آیا میان ماندن و گریختن، دوره‌ها حل برای انتخاب وجود دارد؟ رفیق ما فقط یک راه میبیند! و میگریزد!

اینک سه شنبه ۸ صبح نوزده خرداد، کنتراتچی، کارگر گریز پارادو با زره مسلح

اینجا یکی از کوره‌های آجرپزی چهار دانگه است! ساعت ۸ صبح هر روز کارگران سنت زیادی است که کار را شروع کرده‌اند. امروز، سه شنبه نوزده خرداد، در چنین ساعتی وضع کمی غیر عادی است. فضای همیشگی و انباشته از گرد و خاک و سیاهی، امروز با صحنه جدیدی نیز همراه شده است. صحنه جدال میان یک کارگر غالب کثی با کارفرمایان.

ماجرای ساده‌ای را که اینک، در آخرین صحنه، به این جدال لفظی کوتاه انجام می‌دهد است، میشود در دو خط برای مردم جهان شرح داد. میشود تمام این فاجعه - جنایتکارانه را، در کما بیش ده - اژه خونبار گنجانید و آنرا همچون لخته چرکینی از تنگ و نفرت، بر چهره کریه "سرمایه فروپاشید! کارگر غالب"

# قانون دادستانی انقلاب انجام می‌گردد!!

و پاسداران به سراغ نشریات رزمندگان و پیکار و کومله ... آمدند و حکم توقیف را نشان فروشندگان دادند. اما با مقاومت آنها مواجه شدند پاسداران. بقیه در صفحه ۱۱

بازداشت کردند. بعد سراغ محلی که در آن نشریات کار، پیکار، رزمندگان، کومله و ... پهن شده بود آمدند و اداران "س.ج" با اطلاع از حمله ارتجاع بی درنگ نشریات کار و نبرد دانش آموزان جمع کردند

سرانجام پس از مدت‌ها انتظار، پاسداران سرمایه شروع به جمع کردن نشریات انقلابی نمودند در یکی از اولین حمله‌ها پاسداران مسجد سلیمان "نشریه انقلاب را" توقیف کرده و فروشنده نشریه را

**توده‌هایی خروشد...**

مادر اینجاست عهد میکنیم که متوقف نکنیم، محاصره نظامی الان هست، جلو حرکات ستون الان گرفته میشود چنین مسائلی وجود دارد حالا تعهد میکنیم که جلوی یک چنین تصمیماتی گرفته شود، یعنی آتش بس برقرار شود، آتش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است "آری ما تعهد میکنیم حاکمیت جمهوری اسلامی را در کردستان برقرار کنیم فقط آن حداقل حق را به ما بدهید تا ما بتوانیم برای شما تبلیغ کنیم، ما به شما اعتماد داریم و برای همین پیش شما آمده ایم .

- آقایان اول شما برو- ید اگر "این اعتماد برایتان است بروید اعتماد را به مردم کردستان منتقل کنید یک گروه با آن مقدار اعتبار و نفوذ اجتماعی میدانید که چه میخواهیم بگویم؟"

- البته، البته "ولسی این متقابل است"... شما هم چیزی به ما پرداخت کنید!

- اما آقای دکتر! مسئله دیگر هواداران ما است "صدها نفر از هواداران سازمان در زندان هستند" ما سابقه طولانی داریم ۵۰۰ - ۶۰۰ شهید داده ایم "اولا دستگیری این نیروها تا شيرسوی میگذارد تا نیا روزنامه ما چرا باید منتو شود" خواهش میکنیم روز نامه ما را آزاد کنید و هواداران ما را هم

آقایان شما چیزی بسدی در آن نوشته‌اید، اگر میخواهید کارتان راه بیفتد بیا کنید اعلام کنید اینجا معبه سمت

سرمایه‌داری نمی‌رود به سمت استبداد نمی‌رود" مواضع جدید موافق میل ما اعلام کنید " مسلح بودن معنی ندارد " - نوقت "خوب حل میشود"

- آقای دکتر! یک مسئله دیگر فکر میکنید "اگر ما یک محل دیگری برای فعالیت در نظر بگیریم "امکان پذیر هست یا نه". "خودتان میدانید" ".... جورا خراب کردید" ما تضمین نمیکنیم ولی خوب پیشنهاد دینده اینست، سازمان چریکهای فدایی خلق بنشینند و جمع بندی جدیدی بکنند که در این مدت چه کردند و بعد اعلام مواضع جدید. از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید و با ما صحبت کردید متشکریم!!

این بود خلاصه‌ای از ملاقات کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق و بهشتی. کمیته مرکزی درخواست می‌کنند و بهشتی همه را موکول به سازش هر چه بیشتر آنها میکند. آنها میگویند "مبادر شماره‌های اخیر کار مواضعمان را "تصحیح" کرده‌ایم، با حزب دمکرات اعلامیه مشترک دادیم" تعهد میکنیم حاکمیت جمهوری اسلامی را در کردستان برقرار کنیم قول میدهیم به نفع شما تبلیغ کنیم خوب شما هم چیزی... "اما اینها هنوز هیات حاکمه راضی نمیکند" شما باید مواضع جدید خود را اعلام کنید اعتماد خودتان را به ما به میان مردم ببرید، از کارهای "گذشته خود اظهار پشیمانی کنید و... آ نوقت ما یک فکری میکنیم "هرکس که کمترین نگاهی به این مذاکره بیاندازد هیچ چیزی جز خواهش و تمنا از یک سو و برخورد بورژوا متشانه و "انشا الله بعدا" های بهشتی نمی بیند! "

بخشی از سازمان چریکها که اعضای انقلابی و صادق آنرا از سالهای ۴۱ علیه رژیم شاه علیه سلطه سرمایه‌داری وابسته و علیه امپریالیسم مبارزه کرده و صدها شهید داده‌اند - اکنون با سرعت هر چه تمامتر در سراشیب منجلاب اپورتو - نیسم راست و سازشکاری فرو میروند و با سرعت باور نکردنی به دامان بورژوازی و حزب توده فرو می افتند، و ملاقات با بهشتی یکی از بارزترین این عملکردهای سازشکارانه است کمیته مرکزی اکثریت امروز با کسی ملاقات و از کسی درخواست میکنند که همین چند ماه پیش درباره او گفته‌اند "بازرگان ها، بهشتی ها، رفسنجانی ها در زمینه سیاست داخلی، سیاست سرکوب نیرو - های انقلابی، تخریب دستاورد های انقلاب، دعوت از سر - مایه داران وابسته و ابقای قرارداد های اسارت با ر امپریالیستی را به پیش رانند" - کار ۴۴ "وحدت کلمه" و - حدت عمل شورای انقلاب با امپریالیسم از کسی برای خلق قهرمان کرد و هواداران شجاع و جان باخته خود گدایی میکنند که حتی کسانی که به هیات حاکمه جمهوری اسلامی توهم دارند نیز به این شخص هیچ توهمی ندارند بهشتی و رفسنجانی از ابتدا از شناخته ترین عناصر هیات حاکمه بودند، بهشتی از کسانی بود که از همان روز - های اول پس از انقلاب کوسر - سویی زندگی اشرافی اش در آلمان، لاس زدنهایش با سفارت شاهنشاهی در آن کشور و اقداماتش در جهت خفه کردن اعتراضات دانشجویان مبارز آلمان را در همه جا و بر سر هر - کوی و برزن زده بودند .

بهشتی و رفسنجانی کسانی بودند که سازمان چریکها علیرغم تمامی برخورد های التقاطی و سازشکارانه اش با هیات حاکمه مشخصا از آنها به عنوان خائنین به خلق نام میبرد. ولی اکنون رهبران سازشکار جناح اکثریت با همین خائنین به خلق به گفتگو مینشینند و به آنها میگویند که "ما به شما اعتماد داریم!" آنها که خود در حدود ۵ ماه پیش در کار ۴۳ درباره هیات حاکمه نوشته‌اند "یک روز دست بازرگانها، یزدی ها و امیر - انتظام ها روشن شود و روز دیگر نقشه های پشت پرده حصد السلام خامنه‌ای، حجت الاسلام بهشتی و حجت الاسلام رفسنجانی فاش میگردد. این مسائل به این دلایل پیش میآید که گردانندگان دولت جمهوری اسلامی طرفدار سرمایه و سرمایه داری هستند، به همین دلیل به امپریالیسم آمریکا نظر لطف دارند، لذا از انقلاب وقیام و از تحولاتی که پدید آمده ناراحت هستند!" آیا ترکیب هیات حاکمه عوض شده است میبینم که از قیام تاکنون چندان تفاوت نکرده جز جابجایی چند مهره. اکنون میخواهند حاکمیت جمهوری اسلامی را در کردستان با آتش بس برقرار کنند اکنون هیات حاکمه راضا امپریالیست میدانند! آیا ترکیب هیات حاکمه عوض شده است؟ نه میبینیم که از قیام تاکنون حتی عناصر هیات حاکمه تغییر چندان نکرده اند فقط پست - هایشان بالا و پائین شده است بازرگان نخست وزیر بود و بنی صدر در شورای انقلاب. اکنون

**برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!**

بنی صدر رئیس جمهور است و با زرگان در شورای انقلاب، بهشتی که علاوه بر پست های قبلی مناصب جدیدی هم گرفته و بسیاری هم ابقا شده اند. پس این رهبری جناح اکثریت سازمان چریکها است که از مواضع التقاطی گاه انقلابی و عمدتاً سازشکارانه خود دست برداشته و یکسره خود را به دام بورژوازی انداخته است این رهبری جناح سازشکار سازمان چریکها است که یکسره به اعضا و هواداران انقلابی خود منافع کارگران و زحمتکشان میهن شت کرده و بر سر منافع آنها به معامله با بورژوازی نشسته است.

علل خیانت و سازشکاری رهبری بخشی از سازمان چریکهای فدایی خلق عجل بسیار است که ما در نشریه "رزمندگان شماره های ۱۴ و ۱۶" در برخوردی که در واقع چرخشی در مواضع سازمان چریکها بوده است و در موضوع گیری مان در مورد انشعاب در سازمان چریکها و بوجود آمدن بخش انقلابی سازمان - بخش اقلیت - بدان پرداخته و اینجا در این باره بحث نمیکنیم.

اما سیاستهای سازمان چریکها "اکثریت" که هنوز

بخشی از نیروهای انقلابی را به عنوان هوادار در پی خود دارد نمیتواند برای کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست میهن ما اهمیت نداشته باشد. سیاستهای "کمیته مرکزی" اکثریت که در زمان رشد مبارزات کارگران و زحمتکشان و مبارزات خلق کرد و چشم انداز انقلاب و رشد هر چه بیشتر نیروهای کمونیست و انقلابی در کردستان و سراسر ایران یک سر به انقلاب پشت کرده و میان خود را در ادوی ضد انقلاب جستجو میکنند بیدشناخته شود.

"کمیته مرکزی" سیاستهای زیر را به طور منظم و از مدتی پیش جلو میبرد.

- ۱- با بورژوازی و عناصر هیات حاکمه به گفتگو می نشیند و از آنان امتیاز میخواهد. آنهم نه مذاکره ای که به طرف مقابل تحمیل شده باشد بلکه مذاکره ای که از طرف مقابل درخواست و بهتراست بگوئیم گدایی شده است
- ۲- درقبال این امتیازات و برای کسب آنها به آرا می و کم کم مواضع سازشکارانه خود را در نشریات مندرج میکند.
- ۳- با حزب توده مذاکره و از آنان رهنمود میگیرد.
- ۴- هر چه بیشتر سعی میکنند

از هر طریق نیروهای انقلابی و کمونیست را در کارخانجات کردستان، روستاها، دانشگاهها و خلاصه هر محیط مبارزاتی متفرسما زندودر این راه از هیچ کوششی دریغ نمیکنند.

۵ - سعی میکنند با پخش شایعات علیه نیروهای انقلابی و کمونیست مردم را نسبت به آنها بدبین کنند.

انقلابیون و کمونیستها، همیشه نا پیگیری دموکراتها و سازشکاری اپورتونیستها را برای کارگران و زحمتکشان افشاء میکنند. و از این روست که برای ادا ما انقلاب و برای پیروزی انقلاب باید دست به همه کسانی را که تزلزل نشان داده و در مقطعی دست به سازش میزنند برای همه مردم روگرد و موضع درست و انقلابی را به کارگران و زحمتکشان نشان داد. این است راه ادا ما انقلاب!

باید سیاستهای آنان را برای کارگران و زحمتکشان توضیح داد و علت چنین سیاستهایی را شکافت باید هواداران آنها را با افشاکری سیاستهای سازشکارانه به ماهیت رهبران نشان آگاه کرد.

باید جریانهای انقلابی و از جمله جناح اقلیت سازمان چریکهای فدایی خلق را تقویت کرد \*

# ایمان به واژه ها!

کارگران جهان متحد خواهند شد زیرا سرمایه داران جهان متحد شده اند!

کارگران - با علم رهایی طبقه کارگر - مسلح خواهند شد. زیرا سرمایه داران با توپها و تانکهایشان مسلح شده اند. کارگران فریاد خواهند زد: زنده باد کمونیزم!

مرگ بر سرمایه داری! و آنگاه سرمایه داران نیز فریاد خواهند زد.

نه با دهان کشیشان، بلکه از لوله های توپهایشان کارگران پرچمهای سرخ را بالا خواهند برد.

سرمایه داران نیز فانتومها - ایشان را بالا خواهند فرستاد و کارگران با پرچمهای سرخ، فانتومها را بیزیر خواهند کشید!

کمونیستها، به تمام واژه های این شعر، ایمان دارند.

و میدانند که کارگران سرمایه داری را نابود خواهند کرد!

\* کارگران جهان متحد شوید!

اراک - یک کارگر نقاش

## حمله کمیته چپی های آبادان به کتابفروشی ها!

گشت شهریانی مجبور به دستگیری حمله کنندگان به اسامی محمد رضا احمدزاده، محسن هاشمی، و کریم جلالی شدند که هر سه از افراد کمیته بودند. اما صبح همان روز، این سه تن، همانطور که انتظار میرفت با تلفن مقامات مربوطه آزاد شدند! در همان هفته، چندین کیوسک کتابفروشی نیز به آتش کشیده شد \*

نین و صدورا اعلامیه ها، می خواهد جلونشرفکار و عقاید انقلابی را بطور آزاد و علنی بگیرد. در همین رابطه، طبق خبر رسیده از آبادان، روز ۱۷ خرداد چند نفر از رازل و او باش، به کتابفروشی "داهون" واقع در خیابان عروسیه، حمله کرده، پس از شکستن قفل در، با بنز - بین آنجا را به آتش کشیدند. بعلاوه ایجاد سروصدا و بیرون ریختن مردم از خانه ما مورین

بدنبال اعلامیه های داستانی کل انقلاب درباره دستگیری فروشندگان روزنامه ها و بستن چاپخانه ها، کتابفروشی ها نیز از حملات ممنون نمانده اند.

گویی رژیم از هر چه نشانی از انقلاب و دگرگونی داشته باشد وحشت دارد و بوساییل و طرق مختلف، از راه انداختن داوودسته های قمه کترو چماقدار گرفته تا گذراندن قوا -

# یک مسابقه پرهیجان برای خوانندگان باهوش!!

لطفاً خبر زیر را با دقت چندبار بخوانید و سپس به سئوالات ما جواب دهید:

- ۱- این حضرات بازرگان - نان مقیم آمریکا، که از فرط مسلمانی، یک انجمن اسلامی هم درست کرده اند، به چه دلیل مقیم آمریکا شده اند؟
- الف - آب و هوای ایران به آنها نمیآید؟
- ب - همسرانشان طبق دستور کار ترحق وروده ایران را ندارند؟!
- ج - بعلت نزدیکی منزل با محل کسب و کار در آنجا مقیم شده اند؟!

- خواسته مسجد بروند و نماز بخوانند؟!
- ب - آیا به این دلیل که جمهوری اسلامی آنها را ازوا - بستگی به امپریالیستها نجات داده است؟
- ج - آیا برای اینکه در حکومت اسلامی در آمدشان حلال تر از دوران شاه است؟
- د - آیا به این دلیل که "خداوند مهربان" با مردم ستمدیده و مستضعف ما بوده است و تمام توطئه ها و فتنه ها و بلواها را بوسیله حکومت اسلامی سرکوب کرده است و تاجا - رت خدا پستندانه آنها رونق

**کیمان**

شششنبه ۳ تیر ماه ۱۳۵۹  
پانزدهم شعبان ۱۴۰۰ - شماره ۱۱۰۲۸

**انجمن اسلامی بازرگانان ایرانی مقیم آمریکا**  
**افتتاح مجلس را تبریک گفت**

خارجی چه در داخل و چه از خارج علیه انقلاب و چهره های انقلاب انجام میدهد و هر روز در گوشه ای از مملکت فتنه و بلوا راه می انداختند و بهر نیرنگ و خدعه هر محرم و نامحرم را در این حرکات ضد انقلابی و اسلامی شان وارد کردند... ولی خوشبختانه خداوند مهربان با مردم ستمدیده و مستضعف بود و تمام نقش ها حیل و تزویرهای آنها را بر ملا و نقش بر آب کرد و انقلاب ساعت به ساعت و روز به روز ماه به ماه راه خود را طی کرد و تمامی مشکلات را پشت سر گذاشت... در این اطلاعیه هرگونه توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران بخت محکوم شده است.

هر بخشی از این نامه آمده است: خداوند توانا را شکر که بعد از پیروزی انقلاب بر مهربانی و باطنی با وجود هر لحظه و هر ساعت کارشکنی و باج سازی، افترا و تهمت ها که از طرف ایادی

- د - برای کوبیدن میخ اسلام در سر زمین کفر، غم دوری از وطن را پذیرفته اند!
- ه - همچون یک گروه کماندویی برای شکستن محاصره اقتصادی به آنجا رفته اند؟
- و - برای تبریک افتتاح مجلس در آنجا مقیم شده اند؟ (این قسمت را برای کسانی که عقلشان به هیچ جا قدمنمیدهد آورده ایم!)
- ۲- این آقایان به چه دلیل طرفدار انقلاب اسلامی هستند؟
- الف - آیا برای اینکه مملکت اسلامی شده و آنها میتوانند هر لحظه که دلشان

- دوباره یافته است؟
- ه - آیا به این دلیل که روزنامه ها دولتی شده اند و آنها میتوانند این جور آگهی های تبریک را مجاناً در روزنامه ها چاپ کنند؟
- و - آیا به این دلیل که از اقامت در آمریکا خسته شده و خیال دارند با درج این جور آگهی های حمایت، پلیسی آمریکا را مجبور کنند که آنها را اخراج کند؟ (این قسمت هم برای آنها نوشته شده که بسا سختگیری بی مورد، هیچ کدام از جواب های بالا را قابل قبول نیافته اند!)

بقیه از صفحه ۱۲

زندان آری، اجاره خیر! ولی روستائیان دیگر هرگز اجاره ندادند. با اینحال، حکومت، هیچ گاه دست از سر روستائیان بر نداشت. آنها روستائیان راهر سه ماهه یکبار به دادگاه میکشاندند و محاکمه میکردند. و در همین محاکمات سرانجام یکی از کشتاورزان عامل قتل ۵ هزار تومان به همسر ژاندارم مقتول بپردازد. دهقا - نان بازهم به اتکای قدرت متحد خود، یکبار دیگر قانون شاهنشاهی را به مسخره گرفته و کمترین توجهی به این جریمه نکردند.

مبارزات مردم سراسر ایران هر روز اوج بیشتری گرفت و سرانجام در بهمن ۵۷ به قیام سیل آسای زحمتکشان بر علیه دودمان پهلوی انجام میداد. طاغوت سرنگون شد و لسی طاغوتیان با حکومت اسلامی بیعت کردند! و زحمتکشان سرخورد را بی کلاه یافتند!

اینک علی حائری، همچون یک انقلابی وابسته، همه جا ظاهر میشود و خود را فرزند خلف جمهوری میخواند!

حکومت همه جا دست به

بقیه از صفحه ۸

ان به اسلحه متصل شده و نشریات را جمع آوری کرده و میخواستند افرادی را که مقاومت کرده بودند با خود ببرند که با اعتراض مردم مواجه شدند. پاسداران که وضع را چنین دیدند فروشنده ها را راه کرده و سوار ماشین شدند اما مردم جمع شده و با شعارهای "مرگ بر ارتجاع، سپاه پاسداران قاتل زحمتکشان، زندانی سیاسی از زندان ارتجاع آزاد باید گردد، به راه افتادند.

سازندگی میزند. ادارات دولتی - دادگستری، ارتش، پلیس، ژاندارمری - بسرعت با سازی میشوند و "وظایف" همیشگی خود را از سر میگیرند. کارمندان دادگستری، حقوق میگیرند، بنا بر این باید به پرونده ها رسیدگی کنند. ژاندارمها مواجیشان پا بر جاست، بنا بر این همه جا باید نظم و قانون را جاری سازند. و چنین است که سازندگی آغاز میشود!

روز دهم خرداد پنجاه و نه (۵۹) (حدود بیست روز پیش) ژاندارمری قائم شهر به کیود کلا ما مور میفرستد تا هم دهقان محکوم شده را بازداشت کرده و حکم دادگاههای شاهنشاهی را اجرا کنند. آنها دهقان را به جرم قتل یک ژاندارم به شهر میبرند و ۴۸ ساعت بازداشت میکنند. و بعد از سالها بخاطر اجرای حکم دادگاه شاهنشاهی و برقراری "عدالت آریا مهری" روستایی را مجبور به پرداخت ۳ هزار تومان از پنج هزار تومان جریمه میکنند و از او تعهد میگیرند که بقیه پول را هم در ماههای بعد بپردازد!

دوباره روزا زانو، روزی نو. زحمتکشان یکبار دیگر شروع خواهند کرد! ★

پس از رفتن پاسداران دوباره نشریات رزمندگان و پیکار پهن شد و بازاریا افشاگری و بحث برقرار گشت. تا سبب چندین بار پاسداران برای ضبط نشریات هجوم آوردند ولی هر بار با پشتیبانی مردم و تجمع آنان فروش نشریات و بحث و افشاگری ادامه داشت! مقاومت رفقای فروشنده و پشتیبانی مردم از فروش نشریات، آن روز قانون اعلام شده دادستانی انقلاب را به ورق پاره ای بدل کرد! ★

قصه برای بزرگسالان

# عقوبت مبارزه با طاغوت!

حدود پانزده، بیست سال پیش، در منطقه ای میان بابل و قائم شهر، فتودال گردن کلفتی به اسم علی حاکم شری زندگی میکرد که دوهزار هکتار زمین بی قابلیتش را به دهقانان اجاره میداد. دهقانان، از اینکه این آقا سال به سال از آنها اجاره میخواست مطابق معمول تمام دهقانان جهان بسیار خشمگین و عصبانی بودند. (نویسنده از اینکسسه او بیست هر هکتار ۸۰۰ تومان (۸ خروار شالی) اجاره میگرفت در حالی که در روستاهای اطراف نرخ اجاره حدود پانصد تومان بود.

سال ۱۳۴۵، سالی بود که روستائیان دیگر طاقشان طاق شد برای مبارزه با این فتودال بی انصاف (!) ب فکر کمک گرفتن از دولت شاهنشاهی افتادند. او دو نماینده برای کارشان انتخاب کردند. دو نماینده ای که از میان دهقانان انتخاب شده بودند، با وجود تروبی پولی فراوان، حدود سه ماه در تهران و قائم شهر و بابل، به هردی زدند و هیچ دزی هم برویشان باز نشد. روستائیان کم کم نتیجه گرفتند که رژیم شاه طرفدار سرمایه داران و زمینداران بزرگ است!

بعد از آنکه قانون اصلاحات ارضی شامل حال دهکده و کلا شد، علی حاکم شری، نه فقط اجاره زمین هایش را میگرفت، بلکه

مدیرکل یکی از موسسات هم شد. روستائیان در باره رژیم شاه، تجربه جدیدتری آموختند اما این دفعه وقتی از کمک دولت نا امید شدند، خود آستین هارا بالا زده و قدم به میدان گذاشتند. آنها تصمیم گرفتند دیگر اجاره نپردازند و نپرداختند!

بهار همان سال، بیست و اندازم دولت شاهنشاهی به فرماندهی یک افسر، از طرف حکومت و برای حمایت از علی حاکم شری، وارد کبودکلا شدند و به حیاط خانه ای که روستائیان در آن جمع بودند حمله بردند. فرمانده، سراغ نمایندگان را گرفت و با تیر هوایی بقیه را متفرق کرد. دو نماینده و هفت نفر از دهقانان (۳ زن و دو مرد) در محاصره قرار گرفتند. ژاندار، مهاباد روستائیان را به دکتک گرفتند و ب قصد کشت زدند. یکی از نمایندگان با سروصورت خونین از معرکه دور شد و دیگری را ژاندار مهاباد را لیکه بیهوش شده بودا بینور و آنور میکشیدند و میزدند.

ابتدا زنها شروع کردند. آنها در حالیکه شیون میکردند خود را روی نعش نماینده بیهوش می انداختند تا بلکه نجاتش دهند، اما به اینکار موفق نشدند.

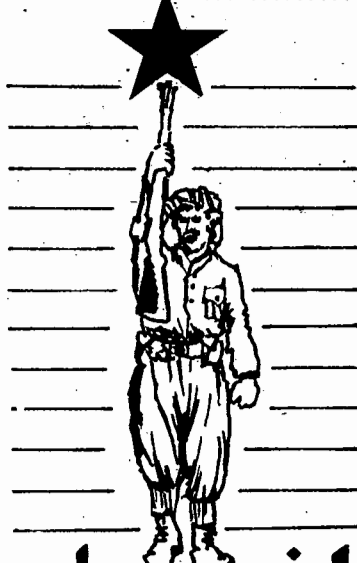
و آنگاه سرانجام مردها خونشان به جوش آمد. ژاندار، مهاباد، ناگهان خود را در محاصره روستائیان چهره برافروخته ای دیدند که از تغییر حرکت چوبدستی هایشان، خروش خشم

ان شدند تا از دست ژاندار مهاباد، به "اویسی" پناه ببرند! در آنجا آنها را دستگیر کرده و با دستبند به بابل فرستادند. زنهای هفت و هشت و مرد هشتاد و یک ماه زندان کشیدند.

بقیه در صفحه ۱۱

خلق بگوش میرسید. حمله آغاز شد و زحمتکشان یکپارچه و متحد، ژاندار مهاباد را تاروما کردند. ۱۸ ژاندارم بشدت زخمی شدند و یکی از آنها به درک واصل شد! حدود بیست نفر از دهقانان زن و مرد و بچه، با برهنه و خون آلود، بسرعت راهی تهر-

\*\*\*\*\*



## اخبار کردستان

\*\*\*\*\*

\* - ۲۵ خرداد هلی کوپتر های آمریکایی ارتش جمهوری اسلامی، همچنان به حملات وحشیانه به روستاها ادامه میدهند. در تاریخ فوق، تعدادی از آنها به دهکده ای بنام "سرخوز" حمله کرده و آنجا را به رگبار کالیبر ۷۵ بسته اند که طی آن ۶ نفر زخمی شده اند که

برای مداوا به بوکان منتقل شدند.

\* - ۲۵ خرداد در یک درگیری بین نیروهای ارتش و پیشمرگان کردیک کامیون نابود ۸ ارتشی کشته و ۵ نفر دستگیر شده اند. در این عملیات یک پیشمرگ سازمان پیکارینا م عطا طاطایی شهید و پیشمرگ دیگری زخمی شده است. بیادش گرامی باد.

این درگیری در جاده، با نه سفز اتفاق افتاده است. همچنین مهمات قابل توجهی از جمله یک کالیبر ۵۰ و ۱۰۰ عدد ۳ و چند صندوق فشنگ کالیبر ۵۰ و ۳ و یک جعبه نارنجک بدست پیشمرگان افتاده است.

ارتباط تلفنی شهر سنندج با شهرستانهای دیگر قطع است و عمدتاً تراو صل نمیکند و تنها ارتباط از طریق مخابرات شهر صورت میگیرد. و کسانیکه میخواهند تلفن بزنند به وسیله پاسداران به شدت کنترل میشوند و از آنها میخواهند که حتماً فارسی صحبت کنند و کردی صحبت کردن در تلفن قدغن است \*

# انحاد پولادین کارگران و زحمتکشانشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!